



فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری
دوره ۱۵ / شماره ۱ (پیاپی ۵۷) / بهار ۱۴۰۵
صفحه ۴۳ تا ۷۳

تخصیص بهینه منابع مالی مبتنی بر عوامل موثر در صنعت بانکداری

سیده آرزو محمدی

دانشجوی دکتری تخصصی، گروه مدیریت صنعتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز
rzmohamadi@yahoo.com

مهرزاد مینویی

استادیار گروه مدیریت صنعتی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
rzmohamadi@yahoo.com

زاداله فتحی

استادیار گروه مدیریت صنعتی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
zad.fathi@iauctb.ac.ir

محمد علی کرامتی

استادیار گروه مدیریت صنعتی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
M-Keramati@iau-arak.ac.ir

حسین بختیاری

استادیار گروه مدیریت صنعتی، دانشگاه امام صادق، تهران، ایران
h.bakhtiari@isu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۲۳

چکیده

تخصیص بهینه منابع و سرمایه داخلی در دهه گذشته از اهمیت زیادی برخوردار گشته است. یکی از صنایعی که بهینه سازی تخصیص منابع در آن بسیار مورد توجه است، صنعت بانکداری می باشد. در همین راستا هدف پژوهش حاضر، بررسی عوامل مختلف اثرگذار بر تخصیص بهینه منابع مالی در صنعت بانکداری بود. این پژوهش در یک متد کیفی- کمی، عوامل مختلف اثرگذار بر تخصیص بهینه منابع مالی در صنعت بانکداری را مورد بررسی قرار داد. جامعه آماری این پژوهش، کلیه شعب بانکی در سطح شهر تهران بودند که از این تعداد، در نهایت ۲۴۲ شعبه به عنوان نمونه انتخاب و پرسشنامه پژوهش بین مدیران و معاونین شعب توزیع گردید. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از مدل معادلات ساختاری حاکی از این بود که سواد مالی، فناوری‌های نوین، حاکمیت شرکتی و واسطه‌های مالی تاثیر مثبت و معناداری بر تخصیص بهینه منابع مالی در صنعت بانکداری ایفا می‌کنند. **واژه‌های کلیدی:** تخصیص بهینه منابع مالی، سواد مالی، فناوری‌های نوین، حاکمیت شرکتی، واسطه‌های مالی

۱- مقدمه

تخصیص منابع در حوزه‌های مختلفی همچون تدارکات شبکه و توزیع، مدیریت موجودی و غیره یک مشکل اساسی است. بهترین رویکرد به منظور تخصیص منابع در هر سازمانی، به ماهیت منابع، محدودیت‌های موجود و مأموریت سازمان‌ها بستگی دارد. از آنجا که ماهیت مسئله تخصیص منابع، جستجو و انتخاب بهترین گزینه از میان گزینه‌های متعدد است، از روش‌های کمی مانند بهینه‌سازی به طور گسترده‌ای جهت حل مشکلات تخصیص منابع استفاده می‌شود.

بهینه‌سازی در علوم محاسباتی یا علوم مدیریت، به انتخاب بهترین راه حل از میان گزینه‌های موجود اشاره دارد و شامل طراحی یک سیستم یا فرایندی است که تا حد امکان از مطلوبیت خوبی برخوردار باشد. لازم به ذکر است که تعریف بهینه‌سازی از سازمانی به سازمان دیگر متفاوت است. به عبارتی، آنچه که برای یک سازمان (با اهداف و ارزش‌های مختص به خود) بهینه است، برای سازمانی دیگر ممکن است از مطلوبیت لازم برخوردار نباشد. هر پارادایم مدیریت عملکرد، هر بیانیه مأموریت، می‌تواند به تعریف متفاوتی از رویکرد بهینه اشاره نماید و بر همین اساس، مدل بهینه‌سازی منابع باید براساس اهداف، متغیرهای تصمیم‌گیری و محدودیت‌های هر سازمان تعیین شود (بریدجزمن^۱، ۲۰۱۳: ۵۹).

یکی از صنایعی که بهینه‌سازی در آن بسیار مورد توجه است، صنعت بانکداری می‌باشد. به طور کلی بانک‌ها از نظر ماهیت، همانند سایر سازمان‌ها و نهادها محسوب می‌شوند، با این تفاوت که در یک صنعت کاملاً تنظیم شده فعالیت می‌کنند. این موسسات مالی به دلیل نقش حیاتی که بر اقتصاد (بک و همکاران^۲، ۱۹۹۹؛ لوین^۳، ۲۰۰۵) ایفا می‌کنند، از قوانین سختگیرانه‌ای پیروی می‌کنند. یکی از بخش‌های اساسی مقررات بانکی، تنظیم مقررات مربوط به تخصیص منابع و سرمایه است (حسن و همکاران^۴، ۲۰۲۰: ۲۸).

لازم به ذکر است که تخصیص بهینه منابع و سرمایه داخلی در دهه گذشته از اهمیت زیادی برخوردار گشته است. پیش از بحران‌های بزرگ مالی در سطح جهان، بودجه ارزان و الزامات نظارتی پایین، امکان گسترش سریع و همزمان واحدهای مختلف تجاری را فراهم می‌ساخت. با این حال، پس از وقوع بحران و کاهش سطح ریسک‌پذیری ذینفعان بانکی و همچنین تحریک سیاست‌گذاران برای معرفی الزامات قانونی جدید و تشدید نیازهای موجود، این روند با شکست مواجه شد. در همین راستا، امروزه و با توجه به کمیاب شدن منابع و سرمایه پس از بحران‌های مالی و گره خوردن تخصیص آن با الزامات نظارتی، تخصیص بهینه منابع و سرمایه داخلی در هسته اصلی استراتژی‌های تجاری بانک‌ها جای گرفته است (گوئل و همکاران^۵، ۲۰۲۰: ۱۳).

باید در نظر داشت که آنچه که در تخصیص بهینه منابع مالی حائز اهمیت است، انتخاب یک پرتفوی تخصیص بهینه با بیشترین بازده و کمترین ریسک می‌باشد. در ادبیات موجود در این حوزه نیز کاملاً مشخص است که در

¹ Bridgeman

² Beck, T., Demirgüç-Kunt, A., & Levine

³ Levine

⁴ Hassan, M. K., Tran, V. D., Paltrinieri, A., & Nguyen, T. D.

⁵ Goel., Lewrick & Tarashev

سنجش عملکرد مالی و همچنین بهینه سازی بازده حاصل از ریسک پرتفو در بانکها، ریسک سرمایه عاملی بسیار حیاتی به شمار می آید (باچ و همکاران^۱، ۲۰۱۱: ۱۱).

با توجه به نقش حیاتی تخصیص بهینه منابع مالی در بانکها، بررسی عوامل موثر بر این تخصیص بهینه از ضرورت و اهمیت خاصی برخوردار است. به طور کلی عوامل و فاکتورهای اثرگذار مختلفی را می توان در تخصیص کارآمد و بهینه منابع بانکها همچون عدم اطمینان برخی از پارامترها، هدف از تخصیص منابع، چگونگی دستیابی به راهکار و غیره مدنظر قرار داد (بریدجمن^۲، ۲۰۱۳: ۶۱).

در بیان ضرورت و اهمیت مطالعه حاضر می توان اظهار داشت که بهینه سازی تخصیص منابع و بهبود بهره وری، جهت ارتقا و توسعه هر سازمانی ضروری است. هنگامی که سازمانی در تخصیص منابع خود از صنایع با بازده تولید پایین به صنایعی با بازده تولید بالاتر منتقل می شوند، این نوع تخصیص مجدد منابع به رشد اقتصادی منجر می گردد. نتایج تحقیقات نیز بیانگر این است که بخش زیادی از اختلاف در بهره وری سازمانها را می توان به کارایی تخصیص منابع آنها مربوط دانست (کلنو^۳، ۲۰۰۹؛ به نقل از جیا و یانگ^۴، ۲۰۲۱).

همچنین با استناد به دیدگاه پاتی^۵ (۲۰۱۰؛ به نقل از موتانیا^۶، ۲۰۱۲)، تخصیص کارآمد منابع که برای رقابت پذیری و بقای یک سازمان امری اجتناب ناپذیری و ضروری است، تحت تاثیر عوامل مختلفی قرار دارد و لازم است تمام عوامل با دقت بررسی شوند. علاوه بر این، با توجه به آنکه بهبود سطح بهره وری موسسات مالی و بانکها در یک کشور به بهبود وضعیت اقتصادی آن کشور منجر می گردد (میرچاندانی و گاپتا^۷، ۲۰۱۸: ۴)، بنابراین شناسایی عواملی که می تواند در بهبود تخصیص بهینه منابع مالی بانکها و در نتیجه بهبود بهره وری آنها اثربخش واقع شود، ضروری است.

در همین راستا این مطالعه در تلاش بود تا اطمینان حاصل نماید که اغلب عوامل موثر در تخصیص بهینه منابع مالی، به طور کامل و واضح توضیح و مورد تبیین قرار گرفته اند. لازم به ذکر است که هر چند مطالعات متعددی در حوزه تخصیص بهینه منابع مالی صورت پذیرفته است (همچون مازیلیس و همکاران^۸، ۲۰۲۰؛ خونگ^۹، ۲۰۱۷ و...)، با این حال مطالعات انجام شده در راستای بررسی عوامل موثر بر تخصیص بهینه منابع مالی به ندرت و یا اندک بود و علاوه بر این، پیشینه تجربی موجود در این زمینه در صنعت بانکداری نیز حاکی از این بود که هیچ پژوهشی، بررسی عوامل اثرگذار بر تخصیص بهینه منابع را در قالب یک مدل ساختاری و به طور جامع مورد بررسی قرار نداده بود. بنابراین نوآوری این پژوهش به این شرح است که برای نخستین بار عوامل موثر بر تخصیص بهینه منابع مالی در صنعت بانکداری را در قالب یک مدل ساختاری مورد بررسی قرار می دهد. با

¹ Batch et al.

² Bridgeman,

³ Klenow

⁴ Jia, N., & Yang, Z.

⁵ Pati

⁶ Motanya

⁷ Mirchandani & Gupta

⁸ Mazelis, L., Lavrenyuk, K., Krasko, A., & Krasova, E.

⁹ Khuong, N. D.

توجه به مطالب گفته شده، هدف این پژوهش، بررسی عوامل مختلف اثرگذار بر تخصیص بهینه منابع مالی در صنعت بانکداری بود.

۲- مبانی و چهارچوب نظری و پیشینه تحقیق

۲-۱- مبانی نظری

تخصیص منابع: تخصیص منابع که به عنوان برنامه ریزی منابع نیز شناخته می‌شود، منابع را برای یک دوره خاص به فعالیت‌های مختلف اختصاص می‌دهد. این فعالیت‌ها ممکن است شامل فعالیت‌های پروژه‌ای یا غیر پروژه‌ای گردد. به هنگام تخصیص، منابع ممکن است به طور کامل و یا جزئی در دسترس باشند و در همین راستا، لازم است که مدیران هنگام اختصاص منابع به پروژه‌های مختلف، دسترس پذیری آنها را مدنظر قرار دهند (نگی^۱، ۲۰۲۰). به طور کلی، تخصیص منابع، اختصاص منابع به یک کاربرد خاص است. در یک شرکت مبتنی بر پروژه، تخصیص منابع می‌تواند اختصاص یک شخص به یک پروژه یا فعالیت باشد. روند تخصیص منابع بخشی از مدیریت منابع است. برای این کار، اغلب از ابزارهای برنامه‌ریزی و مدیریت منابع استفاده می‌شود (ویترا^۲، ۲۰۲۱).

از مهمترین حوزه‌های تخصیص منابع، تخصیص منابع مالی است که به روند تقسیم سرمایه و منابع کلی سازمان به سطوحی مختلف از کسب و کار اشاره دارد. لازم به ذکر است که فرآیند تصمیم‌گیری در تخصیص منابع مالی، با توجه به عواملی همچون سیاست‌های مدیریت ریسک، الزامات نظارتی، اقدامات عملکرد داخلی و ... ممکن است در عمل، فرایند بسیار پیچیده‌ای به شمار آید. اصل تخصیص اوپلر (یا حاشیه ای یا شیب دار) را می‌توان یک رویکرد معمول در تخصیص منابع مالی به شمار آورد (چونگ و همکاران^۳، ۲۰۲۱: ۳). با این حال، رویکردهای بدیهی دیگری نیز در این حوزه وجود دارد که از مهمترین این رویکردها می‌توان به رویکرد بهینه سازی اشاره نمود (کانگ و پوشکاول^۴، ۲۰۱۹؛ چن و همکاران^۵، ۲۰۲۰؛ بایون و همکاران^۶، ۲۰۲۰) اشاره نمود. به طور کلی، تخصیص بهینه، تخصیص ابزارها و فعالیت‌های سازمان به واحدهای سازمانی یا نهادهای بازار می‌باشد، به طوری که سود سازمان یا سهم بازار بنگاه بهینه گردد (حاجی پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۲). در حوزه منابع مالی نیز، به طور کلی، تخصیص بهینه منابع مالی را می‌توان از اجزا و عوامل موفقیت برنامه‌های توسعه به شمار آورد. تخصیص بهینه منابع مالی، بیانگر تحقق اهداف برنامه ریزی در افق برنامه تعیین شده می‌باشد. لازم به ذکر است که هر چه افق برنامه ریزی بلندتر باشد، تخصیص بهینه منابع مالی نیز با دشواری بیشتری مواجه خواهد شد (احمدی و بهکیش، ۱۳۸۲: ۸۲).

واسطه‌های مالی: واسطه‌های مالی، بنگاه‌هایی اقتصادی می‌باشند که مبادلات خاصی را در اقتصاد انجام می‌دهند. نقش اساسی واسطه‌های مالی به این شرح است

¹ Sudeshna Negi

² Viter

³ Chong, W. F., Feng, R., & Jin, L.

⁴ Kang, W. Y., & Poshakwale, S.

⁵ Chen, X., Chong, W. F., Feng, R., & Zhang

⁶ Baione, F., De Angelis, P., & Granito,

که منابع مالی را از یک گروه بسیار بزرگ دریافت کرده و در اختیار سایر بنگاه‌ها و گروه‌های اقتصادی قرار می‌دهند. لازم به ذکر است که این نهادها جهت رفع مشکلات موجود در زمینه کسب اطلاعات و انجام معاملات شکل گرفته‌اند و جهت کاهش هزینه‌های اطلاعات و انجام بهینه معاملات، دارای یک وظیفه اصلی تحت عنوان « تخصیص منابع » می‌باشند (احسانی، ۱۳۸۸: ۲۹).

حاکمیت شرکتی: حاکمیت شرکتی رویه و رابطه‌ای است که توسط گروه‌های متعددی برای مدیریت و اداره یک کسب و کار مدیریت می‌شود. حاکمیت شرکتی باید تبدیل به یک بحث رایج در اقتصادهای در حال رشد شود. دیدگاه کلی این است که اجرای حاکمیت شرکتی عملکرد شرکت را بهبود می‌بخشد و از منافع سهامداران محافظت می‌کند. به بیانی دیگر، حاکمیت شرکتی برای کاهش اختلاف نظر بین ذینفعان به ویژه سهامداران و مدیران اجرایی ضروری است تا عملکرد سازمان بهبود یابد. شایان ذکر است که اجرای حاکمیت شرکتی در هر کشوری به دلیل ساختارهای اقتصادی، سیاسی و سایر ساختارهای محلی آن متفاوت است (آلیم و همکاران^۱، ۲۰۲۱).

باید در نظر داشت که نقش اساسی حاکمیت شرکتی در تنظیم اقدامات هیئت مدیره نهفته است. این حاکمیت، یک سیستم کنترل و نظارت است که در آن، هیئت مدیره بر کار مدیریت برای به حداکثر رساندن ارزش سهامداران نظارت می‌کند (جبران و چن^۲، ۲۰۲۰). حاکمیت شرکتی یکی از مهمترین ابعاد شاخص‌های ESG (محیطی، اجتماعی و حاکمیتی) است که ظرفیت آن را برای تضمین شهرت شرکت‌های بانکی در زمان بحران نشان می‌دهد (بولای^۳، ۲۰۱۹؛ ال چارانی و همکاران^۴، ۲۰۲۲).

فن آوری: فناوری، ابزار اصلی تحول در جامعه مدرن است. از لحاظ تاریخی، فناوری، محرک اصلی رشد بهره‌وری بوده است که به نوبه خود نقش مهمی در افزایش رشد اقتصادی در بلندمدت داشته است. از آغاز قرن بیست و یکم، فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات (ICT) بهره‌وری را بیشتر افزایش داده‌اند و فناوری‌های جدید از جمله اتوماسیون، رباتیک پیشرفته و هوش مصنوعی فرصت‌های جدیدی را برای بهبود بهره‌وری در آینده ارائه می‌دهند (سائودی^۵، ۲۰۱۹). از نظر مفهومی، نوآوری فناورانه و شکل‌گیری فن‌آوری‌های نوین به هرگونه تغییر تدریجی یا بنیادی در فناوری تجسم یافته در محصول و فرآیند، از جمله تغییرات در فعالیت‌های ارزشی مانند خدمات و مدیریت اشاره دارد. از دیدگاه مبتنی بر منابع، این قابلیت نوآورانه، در کنار سایر قابلیت‌ها، برای دستیابی شرکت به رقابت استراتژیک حیاتی است (لین و همکاران^۶، ۲۰۲۰).

¹ Alim, W., et al.

² Jebran, K., & Chen, S.

³ Buallay, A.

⁴ El-Chaarani, H. et al.

⁵ SAUDI

⁶ Lin, W. L., Yip, N., Ho, J. A., & Sambasivan, M.

۲-۲- چارچوب نظری

آنچه که در ادامه ارائه می‌گردد، شامل مجموعه‌ای از نظریه‌های به هم پیوسته است که با هدف تبیین عوامل مختلفی که بر تخصیص بهینه و کارآمد سرمایه و منابع مالی اثرگذار است، ارائه می‌گردد. لازم به ذکر است که این چارچوب نظری توسط محققان بسیاری با هدف تعیین عناصر و عوامل مختلف اثرگذار بر تخصیص منابع مالی و سرمایه، مورد توجه قرار گرفته است. در ادامه به تشریح هر یک از تئوری‌های این چهارچوب پرداخته می‌شود.

نظریه پرتفوی مدرن

نظریه پرتفولیوی مدرن در دهه ۱۹۵۰ تا اوایل دهه ۱۹۷۰ توسعه یافته و پیشرفت مهمی در مدل‌سازی ریاضی امور مالی محسوب می‌شود. تئوری پرتفوی مدرن^۱، یک تئوری مالی است که تلاش می‌نماید نرخ بازده مورد انتظار از پرتفوی تخصیص داده شده را با توجه به سطح مشخصی از ریسک پرتفو، حداکثر ساخته و یا با توجه به سطح معینی از نرخ بازده مورد انتظار، سطح ریسک را کاهش دهد (کوال و ماسکوویتز^۲، ۱۹۹۹: ۲۰۴۹). این کار، با ایجاد یک سبد و مجموعه‌ای از دارایی‌های سرمایه‌گذاری که در آن، هر یک از دارایی‌ها، دارای ریسک و خطرات مختص به خود می‌باشد، حاصل می‌شود. باید در نظر داشت که وجود تنوع در پرتفوی تخصیص منابع مالی، عامل بسیار مهمی در کاهش خطرات و ریسک‌های تخصیص منابع به شمار می‌آید.

به گفته محققان، تئوری پرتفوی مدرن^۳، فراتر از یک فرمول ریاضی از متنوع‌سازی سرمایه‌گذاری و تخصیص منابع است و همچنین اینگونه استدلال می‌نمایند که هدف از انتخاب مجموعه دارایی‌های سرمایه‌گذاری و تنوع بخشی در تخصیص منابع مالی، حداقل‌سازی ریسک و خطرات احتمالی می‌باشد. زیرا یک پرتفوی متنوع همواره نسبت به پرتفویی که تنها شامل یک یا تعداد محدودی از آیت‌ها می‌باشد، از ریسک کمتری برخوردار می‌باشد. تئوری پرتفولیوی مدرن همچنین فرض را بر این قرار می‌دهد که سرمایه‌گذاران، افرادی منطقی و بازارهای مالی نیز همواره بازارهای کارآمدی به شمار می‌آیند.

از زمان مطرح شدن این تئوری تا به الان، انتقادات نظری و عملی بسیاری نسبت به آن مطرح شده است. به عنوان نمونه یکی از انتقادات صورت گرفته نسبت به این تئوری، بیانگر این واقعیت است که بازده مالی از هیچ توزیع متقارنی تعبیت نمی‌کند. لازم به ذکر است که این واقعیت با توجه به شواهد موجود فزاینده در رابطه با منطقی نبودن سرمایه‌گذاران و همچنین عدم کارآمدی بازارهای مالی، بیشتر تایید می‌گردد (موتانیا^۴، ۲۰۱۲: ۱۲).

آندری^۵ (۲۰۰۰) با این ادعا موافق است که نظریه پرتفوی مدرن نقش مهمی در ارتقای سواد مالی سرمایه‌گذاران و مدیران مالی ایفا می‌کند. به بیانی دیگر، این تئوری، علاوه بر اطمینان از شفافیت در درک عملیات‌های

¹ Modern portfolio theory

² Coval, J. D., & Moskowitz

³ Modern Portfolio Theory

⁴ Motanya

⁵ Andrei

بازارهای مالی، در افزایش سطح سود مالی مدیران مالی و توانا ساختن آنها در سنجش نرخ بازده، کمک شایانی می‌نماید. به گفته محققان، دارا بودن دانش ریسک، سرمایه‌گذاران و مدیران مالی سازمان‌ها را قادر می‌سازد تا سطح قابل قبولی از ریسک را تعیین نمایند و علاوه بر جستجو و یافتن پرتفوهایی با حداکثر بازده مورد انتظار، نسبت به سطح ریسک متقبل شده، تحمل پذیرتر باشند. با این حال، باید در نظر داشت که نظریه پرتفوی مدرن، اثر تصمیمات سرمایه‌گذاری و تخصیص منابع مالی بر حوزه‌های منابع اجتماعی، زیست محیطی و فردی را نادیده پنداشته و در نظر نمی‌گیرد. این تئوری، تنها در تلاش است، بازدهی متناسب با ریسک را بدون در نظر گرفتن پیامدهای دیگر، به حداکثر ممکن برساند و همین امر را می‌توان از مهمترین محدودیت‌های تئوری پرتفوی مدرن به شمار آورد (آندری^۱، ۲۰۰۰: ۹).

تئوری بازارهای سرمایه استاندارد^۲

این تئوری که توسط محققان متعددی از جمله چاندر و ویلیام^۳ (۲۰۰۷) نیز مورد حمایت و پشتیبانی قرار گرفته است، بر این باور است که سرمایه‌گذاران و مدیران مالی، علاقه مند به بهینه سازی بازده حاصل از سرمایه‌گذاری و منابع مالی خود می‌باشند. بر اساس این تئوری، هیچ روش منظمی برای بهره برداری از فرصت‌های تجاری و دستیابی به نتایج برتر وجود ندارد (موتانیا^۴، ۲۰۱۲)، و تغییرات در قیمت‌ها، تنها در نتیجه تحقق اطلاعات غیرمنتظره و تصادفی است. به بیانی دیگر، همانطور که سرمایه‌گذاران اطلاعات را دریافت می‌کنند و در مورد معنی آن توافق می‌کنند، قیمت‌ها می‌توانند بدون فعالیت تجاری قابل توجهی تنظیم شوند و به عنوان متغیری مستقل به شمار آیند (واتلر^۴، ۲۰۰۷: ۸). شایان ذکر است که واسطه‌های مالی این نظریه را راهی مطمئن برای تعیین تغییرات قیمت می‌دانند و بنابراین می‌توانند زمانبندی لازم را جهت کسب سود مدنظر تعیین نمایند (موتانیا^۵، ۲۰۱۲: ۱۲).

نظریه کارایی

نظریه بازارهای کارآمد اقتصادهای مالی، بیان می‌کند که قیمت یک دارایی منعکس کننده کلیه اطلاعات مربوط به ارزش ذاتی آن می‌باشد (کامپا و کاردیا^۶، ۲۰۰۲: ۱۷۳۵). اگرچه نظریه بازارهای کارآمد، برای انواع اوراق بهادار مالی اعمال می‌شود، اما بحث در مورد این نظریه معمولاً بر روی یک نوع اوراق بهادار، یعنی سهام عادی در یک شرکت متمرکز است. استدلالی که این واقعیت بر اساس آن شکل گرفته است این است که هرگونه اوراق بهادار،

¹ Andrei

² Standard Capital Markets Theory

³ Chandra and William

⁴ Wolter, K.

⁵ Motanya

⁶ Campa, J. M., & Kedia

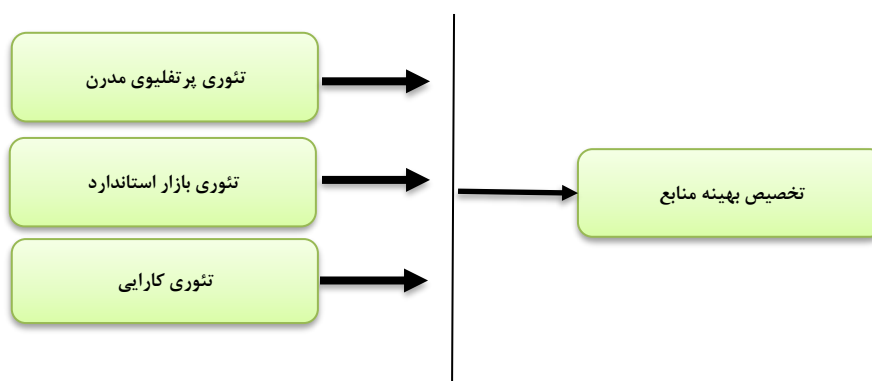
نشان دهنده ادعای جریان نقدی در آینده برای سازمان می‌باشد و بنابراین ارزش ذاتی، ارزش فعلی جریان‌های نقدی است که صاحب اوراق بهادار انتظار دارد دریافت نماید (موتانیا^۱، ۲۰۱۲: ۱۳).

بر اساس این تئوری و به گفته فاما^۲ (۱۹۹۱)، کارآیی بازار، پیوستاری است که امکان هزینه‌های معامله کمتر در بازار را موجب می‌گردد که از آن جمله می‌توان به هزینه‌های کسب اطلاعات و انجام کسب و کار با بهره‌وری بیشتر از بازار اشاره نمود. لازم به ذکر است که کارایی اطلاعاتی قیمت سهام از دو طریق مهم است:

◀ نخست اینکه، سرمایه‌گذاران به این نکته اهمیت می‌دهند که آیا استراتژی‌های تجاری مختلف می‌توانند بازدهی حداکثری را به دست آورند.

◀ دوم اینکه، در صورتی که قیمت سهام به طور دقیق تمام اطلاعات را منعکس نماید، سرمایه‌گذاری جدید به بالاترین ارزش استفاده خود می‌رسد.

این تئوری به منظور اطمینان از وجود بازدهی آماری در بازده سهام بسیار مهم است. بر اساس این نظریه، می‌توان به نقش فناوری‌های مالی در جهت افزایش کارایی و سیگنال دهی و کسب بازدهی آماری لازم در بازده سهام اشاره کرد (موتانیا^۳، ۲۰۱۲: ۱۳). با توجه به مطالب گفته شده، مدل تجربی پژوهش به صورت زیر ترسیم می‌گردد:



نمودار ۱: مدل تجربی پژوهش
(منبع: ادبیات پژوهش، ۱۳۹۹)

۳-۲- پیشینه پژوهش

آنچه که در این بخش ارائه می‌شود، مروری بر مطالعات انجام شده در حوزه مساله اصلی این پژوهش است که به صورت خلاصه در دو بخش زیر ارائه می‌شود:

^۱ Motanya

^۲ Fama

^۳ Motanya

بخش اول: عوامل موثر بر تخصیص بهینه منابع

جیا و همکاران^۱ (۲۰۲۲) در مطالعه‌ای با موضوع «استراتژی بهینه تخصیص و استفاده از منابع کلیدی سازمانی» اظهار داشتند که تخصیص منطقی و استفاده از منابع کلیدی شرکت، کلید موفقیت پروژه‌های نوآوری است. به گفته این محققان، یافتن یک استراتژی بهینه برای تخصیص و استفاده از منابع کلیدی برای ارتقای پیشرفت و افزایش بازده پروژه از اهمیت زیادی برخوردار است. در همین راستا، محققان در این مطالعه به بررسی تخصیص و استفاده بهینه از منابع پرداخته و نه سناریو و هجده ترکیب استراتژیک تخصیص را مورد بررسی قرار دادند. مو و کیو^۲ (۲۰۲۲) نیز در پژوهشی با هدف بررسی تخصیص بهینه منابع تعمیرات اضطراری برای جوامع تولیدکننده-مصرف کننده، اظهار داشتند که تخصیص بهینه منابع تعمیر برای بهبود کارایی مدیریت خطا و کیفیت خدمات منبع تغذیه در جامعه تولید کننده-مصرف کننده مهم بوده و در همین راستا تلاش کردند تا یک مدل تخصیص بهینه که تلفات کل خطا را به حداقل می‌رساند، طراحی نمایند.

جنگ و کوئی^۳ (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای تحت عنوان «عوامل محرک کارایی تخصیص منابع و سرمایه در صنعت انرژی و حفاظت از محیط زیست» نشان دادند که مقررات زیست محیطی، وضعیت زیرساخت‌ها و توسعه ملی نقش مثبت و قابل توجی بر کارایی تخصیص منابع و سرمایه منطقه ای ایفا می‌کند. مازیلیس و همکاران^۴ (۲۰۲۰) نیز در مطالعه‌ای با عنوان «توسعه یک مدل پویای فازی در حوزه تخصیص بهینه منابع مالی» به مدل‌سازی تخصیص بهینه منابع مالی پرداختند. مدل محققان در این پژوهش یک مسئله برنامه ریزی ریاضی فازی بود که در آن عدم اطمینان و کمبود اطلاعات با استفاده از یک رویکرد مجموعه فازی مدل سازی گردید. گای و کیو^۵ (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای با عنوان «تخصیص بهینه منابع با استفاده از یادگیری تقویتی در خدمات محتوا محور اینترنت اشیا» نشان دادند که رویکرد یادگیری تقویتی نقش موثری در کیفیت تخصیص منابع ایفا می‌کند. خئونگ^۶ (۲۰۱۷) نیز در مطالعه‌ای با موضوع «بررسی عوامل موثر بر تخصیص بهینه منابع مالی در ویتنام» نشان داد که اعتبار به بخش خصوصی نقش مهمی در بهینه سازی تخصیص منابع ایفا می‌کند. همچنین برخی شواهد نیز بیانگر تاثیر منابع مالی خارجی، شفافیت کسب و کار، عرضه پول، نرخ بهره و هزینه‌های دولت بر کارایی و تخصیص بهینه منابع مالی بود. همچنین میستری و تروبلود^۷ (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای با هدف بررسی عوامل اثرگذار بر تصمیمات بهینه در تخصیص منابع نشان داد که سطح تحمل ریسک در افراد، عامل مهمی در تصمیمات تخصیص منابع مالی به شمار می‌رود. موحد و همکاران (۱۳۹۶) نیز در پژوهشی تحت عنوان «طراحی مدل تخصیص بهینه منابع در سیستم بانکداری» و با استفاده از الگوی بهینه یابی پویای تصادفی در نظام بانکی ایران نشان دادند که متغیرهای مهمی مانند نرخ سود انتظاری، ریسک سود و نوسان هر یک از انواع تسهیلات، تاثیر زیادی در سهم

¹ Jia, J., Lai, Y., Yang, Z., & Li, L.

² Mao, D., & Qiu, J.

³ Geng & Cui

⁴ Mazelis, L., Lavrenyuk, K., Krasko, A., & Krasova, E.

⁵ Gai & Qiu

⁶ Khuong, N. D.

⁷ Mistry, P., & Trueblood, J.

آن‌ها دارد. همچنین یافته‌ها نشان داد هر چقدر میزان سود انتظاری تسهیلات خاص افزایش و میزان ریسک و نوسان آن کاهش یابد، سهم بیشتری از بین انواع مختلف تسهیلات را به خود اختصاص می‌دهد.

بخش دوم: مطالعات انجام شده در راستای نقش سواد مالی، حاکمیت شرکتی، فناوری های نوین و بر تصمیمات و تخصیص بهینه منابع

والاکومبورا^۱ (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای با عنوان «تاثیر سواد مالی بر تصمیمات سرمایه‌گذاری شخصی در میان پزشکان در سریلانکا» نقش قابل توجه سواد مالی بر تصمیمات سرمایه‌گذاری شخصی را مورد تایید قرار دادند. ساین و گاپتا^۲ (۲۰۲۱) در پژوهشی تحت عنوان «تاثیر سواد مالی بر نگرش و تصمیم‌گیری سرمایه‌گذار: یک تحلیل تجربی» نشان دادند که نگرش و تصمیم‌گیری سرمایه‌گذار متأثر از سواد مالی می‌باشد. کوماری^۳ (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای تحت عنوان «تاثیر سواد مالی بر تصمیمات سرمایه‌گذاری: با اشاره ویژه به دانشجویان کارشناسی در استان غربی، سریلانکا» نشان داد که سواد مالی بر تصمیمات سرمایه‌گذاری دانشجویان اثرگذار بود. آلاراج و باکری^۴ (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای با موضوع «تاثیر سواد مالی بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری در جنوب لبنان» اظهار داشتند که سواد مالی بر تصمیمات سرمایه‌گذاری در کشور لبنان اثرگذار است. بیهقی و همکاران^۵ (۲۰۲۰) در پژوهشی با هدف بررسی نقش سواد مالی بر تصمیمات سرمایه‌گذاری نشان دادند که نقش سواد مالی بر تصمیمات سرمایه‌گذاری بهینه، حائز اهمیت است. بیمو و همکاران^۶ (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای با موضوع «حاکمیت شرکتی و کارایی سرمایه‌گذاری در اندونزی: نقش تعدیل‌کننده رقابت صنعتی» دریافتند که حاکمیت شرکتی بر کارایی سرمایه‌گذاری دارای نقشی غیرقابل انکار است. نظر^۷ (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای تحت عنوان «تاثیر پویا حاکمیت شرکتی بر تصمیمات سرمایه‌گذاری شرکت‌های غیر مالی در سریلانکا» دریافتند که حاکمیت شرکتی بر تصمیمات سرمایه‌گذاری در این شرکت‌ها دارای نقش قابل توجهی است. هادی (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای با موضوع «تاثیر هوش هیجانی بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری با نقش تعدیل‌کننده سواد مالی» نشان داد که هوش هیجانی از طریق بهبود سواد مالی به اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری بهینه منجر می‌شود. نتایج پالم و زوان^۸ (۲۰۱۶) نیز در مطالعه‌ای با عنوان «سواد مالی و تصمیمات انتخاب سرمایه‌گذاری: شواهد از اعضای صندوق بازنشستگی استرالیا» بیانگر ارتباط معنادار و مثبت سواد مالی و تصمیمات اتخاذ شده در حوزه سرمایه‌گذاری بود. بوککین و دی الیورا^۹ (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای با عنوان «پیشرفت فناوری و سرمایه‌گذاری: بررسی غیر فنی» نشان دادند که نقش پیشرفت‌های فناوری بر سرمایه‌گذاری‌های درست و سودآور غیرقابل انکار است. و در نهایت اوددکان^{۱۰} (۱۹۹۸) در

¹ Walakumbura, S. H. M. L.

² Singh, I., & Gupta, K.

³ Kumari, D. T.

⁴ Alaaraj, H., & Bakri, A.

⁵ Baihaqqy, M. R. I., Disman, D., Nugraha, N., Sari, M., & Ikhsan, S.

⁶ Bimo, I. D., Silalahi, E. E., & Kusumadewi, N. L. G. L.

⁷ Nazar, M. C. A.

⁸ Palm, C., & de Zwaan, L.

⁹ Boucekkine, R., & de Oliveira Cruz, B.

¹⁰ Odedokun, M. O.

مطالعه‌ای با موضوع « واسطه‌گری مالی و رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه » دریافتند که بین واسطه‌گری مالی و رشد اقتصادی ارتباط معناداری حاکم است. در همین راستا، نتایج مطالعه فلور و هانسن (۲۰۱۳) تحت عنوان « پیشرفت‌های تکنولوژیکی و تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری » نیز بیانگر ارتباط معناداری پیشرفت‌های تکنولوژی و تصمیمات سرمایه‌گذاری بود.

۳- فرضیات پژوهش

به گفته ماروین (۲۰۰۵)، افراد و سرمایه‌گذاران هر سازمانی، به منظور تخصیص کارآمد منابع مالی خود نیازمند دانش، سواد مالی و همچنین نگرش صحیح و مهمتر از همه درک عمیق از گزینه‌های مختلف مالی می‌باشند. به گفته وی، مدیرانی که از سواد مالی بیشتری برخوردار می‌باشند، گزینه‌های انتخابی بیشتری را مورد ارزیابی قرار داده و در نتیجه با اطمینان و آگاهانه در حوزه تخصیص بهینه منابع و سرمایه، تصمیمات لازم را اتخاذ می‌کنند. سید، صفدر و ارشد^۲ (۲۰۰۹) نیز تاکید می‌نمایند که سواد مالی به معنای یک چارچوب یا فرآیند فکری برای درک، کشف، ارزیابی و استفاده از اطلاعات مالی است. سواد مالی همچنین می‌تواند بیانگر درک افراد از گزینه‌های مالی مختلف که افراد می‌توانند در انتخاب‌های مالی به منظور تصمیم‌گیری آگاهانه در مورد نحوه تخصیص و اداره امور مالی خود استفاده نمایند، باشد. این محققان همچنین تایید می‌نمایند که سواد مالی بیانگر سطح درک افراد در زمینه‌های مختلفی از جمله، یادگیری در مورد پول و نحوه کارکرد آن به عنوان یک جنبه مهم، درک گزینه‌های مالی مختلف همچون اعتبار، وام، بیمه و مهمتر از همه توانایی درک و کار با نرخ بهره و نرخ ارز که همگی دارای اهمیت بالایی هستند، می‌باشد. از این رو در صورت وجود سواد مالی، اعمال تصمیمات مناسب در حوزه تخصیص بهینه سرمایه و منابع مالی، افزایش یافته و منجر به کاهش ریسک در تخصیص منابع می‌گردد (موتانیا^۳، ۲۰۱۲: ۱۲).

واسطه‌های مالی نیز می‌توانند نقش مهمی در تخصیص بهینه منابع مالی ایفا نمایند. در همین راستا، شلیفر^۴ (۲۰۰۰) اظهار داشته است که در بیشتر کشورها، شرکت‌های ثروتمند، استراتژی‌های مختلفی را جهت اطمینان یافتن از بازده مناسب سرمایه‌گذاری و همچنین افزایش کارایی در تخصیص منابع به کار می‌گیرند. یکی از این استراتژی‌ها را می‌توان واسطه‌های مالی در نظر گرفت. به طور کلی، واسطه‌های مالی از طریق تلفیق اطلاعات فشرده و ارزشمند به دست آمده از ترانزنامه، سرمایه‌کار، نیروی فیزیکی، سرمایه ویژه و وجوه وام اخذ شده و همچنین نظارت بر عملکرد مالی وام‌گیرندگان و انعقاد قراردادهای مالی بهینه، کمک شایانی در کاهش ریسک‌های مربوط به تخصیص منابع ایفا می‌کنند. نتایج مطالعات نیز حاکی از این است که واسطه‌های مالی از نظر اطمینان از کسب بازده بالاتر در وام‌های مالی و تحقق اهداف تعیین شده کارآمدتر می‌باشند. از این رو، می‌توان انتظار

¹ Maroine

² Syed Z.A., Safdar A. & Arshad H

³ Motanya

⁴ Shleifer, A.

داشت که واسطه‌هایی که کارایی بالاتری دارند، از طریق ارزیابی بهتر اعتبار، انعقاد قرارداد و نظارت بر عملکرد مالی وام‌گیرندگان، نقش مهمی در بهبود تخصیص منابع مالی ایفا نمایند (شلیفر^۱، ۲۰۰۰: ۷).

در حوزه فناوری‌های مالی نوین نیز باتاچاریا و همکاران^۲ (۱۹۹۷) اذعان کرده‌اند که پیشرفت در فن‌آوری‌های پردازش اطلاعات و حذف تشریفات مرسوم اداری، به میزان قابل توجهی، بخش مالی در اقتصادهای در حال ظهور را متحول ساخته است. بسیاری از این ابزارهای نوین، کارایی تخصیص منابع مالی را بهبود بخشیده و به طور کلی برای تمام سرمایه‌گذاران ذی‌نفع و مدیران مالی سازمان‌ها مفید بوده است. از سوی دیگر، نوآوری مالی می‌تواند به محیط داخلی محدود شود، مانند سیستم عامل، ساختار مالکیت، منابع انسانی و فرهنگ سازمانی که همگی نشانگر اصلاحات هستند و انگیزه مهمی برای توسعه اقتصادی نوآوری به صورت عینی هستند (موتانیا^۳، ۲۰۱۲: ۱۴). شایان ذکر است که در اکثر کشورها با وجود پیشرفت‌های اعمال شده در حوزه فن‌آوری‌های مالی، با این حال همچنان تقاضای مناسب برای فن‌آوری‌های نوآورانه در حوزه‌های مالی با محدودیت روبرو می‌باشد. مورد فوق را می‌توان با این واقعیت توجیه نمود که ارائه این خدمات و فن‌آوری‌های مالی نوآورانه، پرهزینه بوده و همین امر منجر به این امر شده است که بسیاری از افراد و سازمان‌ها تمایلی به مطالبه فن‌آوری‌های مالی مدنظر با قیمت‌های بازار نداشته باشند و همین امر به عدم کارایی در تخصیص منابع مالی منجر می‌شود (کولیر^۴، ۲۰۰۷: ۱۰). آندری^۵ (۲۰۰۰) خاطر نشان می‌کند که هرچند عصر فناوری، منجر به کشفیات زیادی در محصولات مالی شده است، اما تنها عاملی نیست که پایه‌های اساسی را برای تخصیص کارآمد سرمایه فراهم می‌کند. وی در بررسی بیشتر بازارهای پیش‌تاز و نوظهور، نه تنها فناوری، بلکه عوامل متعدد دیگر را در نظر می‌گیرد (آندری^۶، ۲۰۰۰: ۱۰).

همچنین در حوزه بانکی، حاکمیت شرکتی جنبه‌های مختلف عملکرد را مدنظر قرار داده و از طریق سازوکارهای بیرونی و درونی بر عملکرد واحدهای تجاری اثرگذار است و به عنوان سازوکاری برای حفظ منافع ذی‌نفعان بانکی به شمار می‌آید. به بیانی دیگر، استقرار ساختار حاکمیت شرکتی در بانک‌ها، با همسوسازی منافع مدیران و ذی‌نفعان به کاهش مسائل نمایندگی در بانک‌ها کمک شایانی می‌کند (رحیمیان و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۳). حاکمیت شرکتی مجموعه‌ای از فعالیت‌های متمایز را در بر می‌گیرد که ذینفعان مختلف از جمله واسطه‌ها، فروشندگان و افراد ذینفع دیگر را شامل می‌شود، و به این ترتیب می‌تواند باعث افزایش کارایی و در نتیجه کارایی بازارهای سرمایه شود (شیلر^۷، ۲۰۰۰: ۵۱). در حوزه نقش استقرار این نظام بر تخصیص بهینه منابع، راجان و لوییچی^۸ (۲۰۰۵) اظهار می‌دارند که نقش حاکمیت شرکتی در تضمین تخصیص بهینه و کارآمد منابع و سرمایه به عوامل مختلفی از جمله ساختار سیستم مالی، ماهیت اقتصادی خاص و سایر موارد بستگی دارد و مطالعات مرتبط نشان می‌دهد که این ساختار، قابلیت پیش‌بینی قیمت سهام در بازارهای سرمایه را افزایش می‌دهد. یافته

¹ Shleifer, A.

² Bhattacharya, A., Montiel, P., & Sharma,

³ Motanya

⁴ Collier

⁵ Andrei

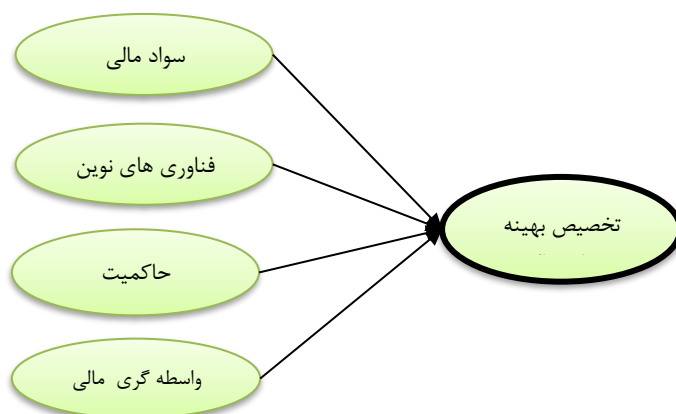
⁶ Andrei

⁷ Shiller, R. J.

⁸ Luigi

های وایاکی^۱ (۲۰۰۸) نیز همراستا با یافته های راجان و لوئیجی (۲۰۰۵) می باشد. در نهایت می توان اذعان داشت که تقویت حاکمیت شرکتی، موجب ارتقا تخصیص بهینه منابع و کاهش نرخ تورم می شود که در نهایت پایداری اقتصاد را به دنبال خواهد داشت (زورک لویی^۲، ۲۰۰۱: ۵۲).

بر اساس مطالب مطرح شده، مدل مفهومی پژوهش به این صورت مفهوم سازی می شود که تخصیص بهینه منابع مالی تحت تاثیر سواد مالی، واسطه های مالی، فناوری های مالی نوین و همچنین حاکمیت شرکتی بوده و مدل مفهومی پژوهش، به صورت نمودار (۲) ترسیم می گردد:



نمودار ۲: مدل مفهومی پژوهش

(منبع: محقق ساخته، ۱۳۹۹)

با توجه به مدل مفهومی ترسیم شده، فرضیات پژوهش به شرح زیر ارائه می شود.

- ۱) فرضیه اول: سواد مالی مدیران بر تخصیص بهینه منابع مالی در صنعت بانکداری نقش معناداری دارد.
- ۲) فرضیه دوم: فناوری های نوین مالی بر تخصیص بهینه منابع مالی در صنعت بانکداری نقش معناداری دارد.
- ۳) فرضیه سوم: حاکمیت شرکتی بر تخصیص بهینه منابع مالی در صنعت بانکداری نقش معناداری دارد.
- ۴) فرضیه چهارم: واسطه های مالی بر تخصیص بهینه منابع مالی در صنعت بانکداری نقش معناداری دارد.

۳- روش تحقیق

این مطالعه با توجه به آنکه در دو بخش کیفی (مصاحبه با خبرگان) و کمی (معادلات ساختاری) انجام شد، دارای روش ترکیبی (کیفی و کمی) بود. در این پژوهش، جهت تدوین پیشینه از شیوه اطلاعات کتابخانه ای و به منظور

¹ Waiyaki

² Ziorklui, S. Q.

ارزیابی فرضیه‌ها از پرسشنامه‌ای محقق ساخته استفاده شد که جهت تنظیم گویه‌های آن از مصاحبه به عمل آمده از خبرگان و همچنین ادبیات و منابعی همچون تخصیص بهینه منابع مالی (مونتا، ۲۰۱۲)؛ سواد مالی (معین الدین، ۱۳۹۰)؛ فناوری های نوین (خسروی، ۱۳۹۳)؛ حاکمیت شرکتی (دوانی، ۱۳۹۳)؛ واسطه های مالی (مونتا، ۲۰۱۲) استفاده لازم به عمل آمد. لازم به ذکر است که روایی پرسشنامه مدنظر با استفاده از نسبت روایی محتوی لاوشه ($CVR = \frac{n_e - \frac{N}{2}}{\frac{N}{2}}$) و همچنین روایی سازه (تحلیل عاملی تاییدی ارائه شده در بخش یافته ها) و پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مورد آزمون قرار گرفت. نسبت روایی محتوی برابر با ۰/۷۷ به دست آمد که با توجه به تعداد خبرگان (۲۵ نفر) استفاده شده در این پژوهش، حاکی از روایی محتوی ابزار پژوهش بود. همچنین ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه نیز برابر با ۰/۸۸ بود که حاکی از پایایی مناسب ابزار پژوهش بود. جامعه آماری این پژوهش نیز کلیه مدیران و معاونین شعب بانکی در سطح شهر تهران بودند که با توجه به حداقل نمونه مورد نیاز جهت انجام معادلات ساختاری (۲۰۰ نفر)، و همچنین پیش بینی های به عمل آمده در رابطه با پرسشنامه های غیرقابل قبول، در مجموع ۲۴۲ شعب به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب و پرسشنامه پژوهش بین مدیران و معاونین شعب توزیع گردید که از این تعداد ۲۰۸ پرسشنامه به روش قابل قبول برگشت داده شد. همچنین، به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها از مدل سازی معادلات ساختاری (SEM) با استفاده از نرم افزار Lisrel استفاده به عمل آمد. لازم به ذکر است مدل معادلات ساختاری دارای شاخص های برازندگی متعددی است که مهمترین این شاخص‌ها، شاخص‌های NFI، NNFI، و CFI (بالاتر از ۰/۹۰) dfx^2 (کمتر از ۳)؛ RMSEA (کمتر از ۰/۱)؛ و GFI و AGFI (بالاتر از ۰/۸۰) و RMR (نزدیک به صفر)؛ می باشد، که در این پژوهش نیز به عنوان شاخص‌های مدنظر جهت برآزش مدل در نظر گرفته شدند.

۴- یافته‌های پژوهش

بخش اول: تحلیل داده‌ها در بخش کیفی

در این بخش، یافته‌های به دست آمده از مصاحبه با متخصصان و خبرگان دارای سابقه خدمت بیش از ۲۰ سال در شعب بانکی، به تفکیک مقوله‌های اصلی و فرعی و مفاهیم متناظر با آن‌ها مورد طبقه بندی قرار می گیرد.

عوامل ارائه شده از سوی خبرگان در حوزه عوامل موثر بر تخصیص بهینه منابع مالی

به منظور تحلیل داده‌های به دست آمده از مصاحبه با بیست و پنج نفر از متخصصان و خبرگان بانکی دارای سابقه خدمت بیش از ۲۰ سال در شعب مختلف شهر تهران، از روش تحلیل محتوا استفاده شد. در این راستا، با استفاده از روش کدگذاری باز و محوری منطبق با رویکرد اشتراوس و کوربین (۱۹۹۸) و روش تحلیل محتوا، مفاهیم و مقوله های اصلی و فرعی مشخص گردید. بر مبنای فرایند کدگذاری سه مرحله ای (مقوله اصلی، فرعی و مفاهیم) و داده‌های حاصل از مصاحبه‌های صورت گرفته با خبرگان و مفاهیم مربوط به هریک از گزاره‌های مصاحبه، تعداد ۴۳ گزاره در قابل کدهای مفهومی استخراج گردید. سپس با حذف موارد تکراری و ترکیب کدهای مشترک و با

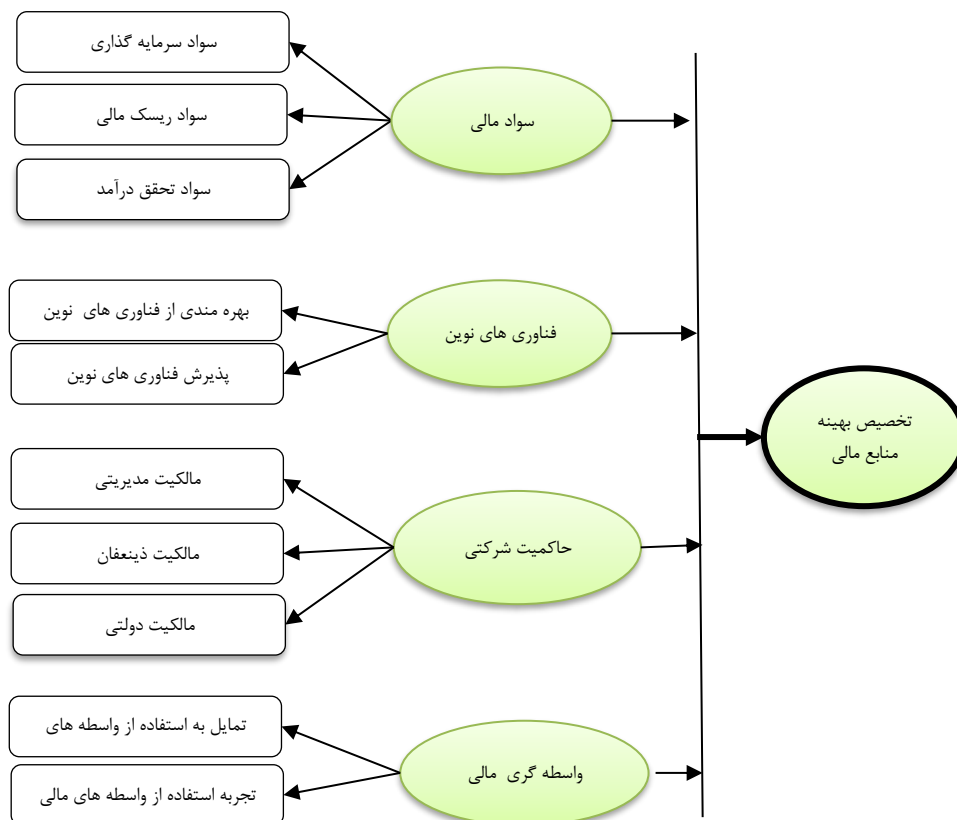
انجام عمل کاهش، مفاهیم اصلی سواد مالی، حاکمیت شرکتی، فناوری‌های نوین و واسطه‌گری مالی در قالب ۱۰ مقوله فرعی به شکل جدول (۳) سازماندهی و طبقه‌بندی گردید.

جدول ۳: نتایج تحلیل مصاحبه، مقوله‌های اصلی و فرعی

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفاهیم	کد خبرگان
سواد مالی	سود سرمایه گذاری	دانش مربوط به تشخیص سرمایه‌گذاری‌های سودآور و مطمئن، دارا بودن دانش حوزه پس انداز و سپرده بانکی، توانایی تشخیص روش‌های سرمایه‌گذاری موثر در حفظ قدرت خرید به هنگام افزایش تورم، دانش مربوط به محاسبه سود یا زیان سرمایه‌گذاری، توانایی تشخیص گزینه‌های اقتصادی و کم ریسک جهت سرمایه‌گذاری، توانمندی محاسبه کمترین هزینه بهره (سود بانکی) در میان گزینه‌های تامین مالی متعدد، دارا بودن دانش مربوط به نرخ سود وام‌های بانکی متعلق به فعالیت‌های تولیدی و بازرگانی.	B3, C2, A1 E1, E2, E3 B2, A2
	سود ریسک مالی	دارا بودن دانش مربوط به روش‌های کاهش ریسک (مخاطره) سرمایه‌گذاری، دارا بودن اطلاعات مربوط به سابقه اعتباری افراد و ریسک‌های موجود در این زمینه، داشتن اطلاعات جامع در حوزه چک و ریسک‌های مربوط به آن، توانایی محاسبه مخاطره و قدرت خرید پول در اثر رشد درصد مشخصی از نرخ تورم، دارا بودن دانش و اطلاعات حوزه مالیات بر ارزش افزوده، پوشش بیمه‌ای،	C5, A4, A2 B3, E5, C3
	سود تحقق درآمد	دارا بودن اطلاعات دقیق در حوزه نحوه کسب درآمد از پروژه سرمایه‌گذاری، دارا بودن اطلاعات جامع در زمینه روش‌های موفقیت پروژه سرمایه‌گذاری، داشتن اطلاعات جامع در زمینه تسریع در دوره بازگشت سرمایه	A3, A1, A5 E5, E4, E2
حاکمیت شرکتی	مالکیت مدیریتی	سهامدار بودن مدیران بانکی، حکمفرمایی مدیران در تصمیمات عملیاتی و استراتژیک بانک‌ها.	D5, C2, C3 E4, B2, D4
	مالکیت ذینفعان	اثرگذاری ذینفعان بانکی بر اقدامات و تصمیمات سرمایه‌گذاری بانک‌ها، اثرگذاری ذینفعان بانکی بر چشم انداز و مأموریت شعب در پروژه‌های سرمایه‌گذاری، نقش موثر ذینفعان در روش‌های تامین مالی جهت سرمایه‌گذاری	E1, E4, C5
	مالکیت دولتی	سهامدار بودن دولت و بخش نهادی، نظارت بر گزارشگری مالی از سوی مالکان نهادی، تاثیر سرمایه‌گذاران نهادی بر رویه‌های اتخاذ شده بانک‌ها	B4, A5, A2 E5

کد خبرگان	مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
B2, D4, A1 D2, B3	تمایل به استفاده از واسطه‌های مالی دارای کارایی بالاتر، تمایل به استفاده از واسطه‌های مالی دارای قدرت ارزیابی بهتر اعتبار، گرایش به استفاده از واسطه‌های مالی توانمند در انعقاد قرارداد، توجه به استفاده از واسطه‌های مالی ناظر بر عملکرد مالی وام‌گیرندگان، تمایل به استفاده از واسطه‌های مالی توانمند	تمایل به استفاده از واسطه‌های مالی	واسطه گری مالی
B5, C1, C4 D1, B1	تجارب سازمان در استفاده از خدمات واسطه‌های مالی، تجربه استفاده از واسطه‌های مالی توانمند در تلفیق اطلاعات مربوط به ترازنامه، سرمایه‌کار و غیره، تجربیات سازمان در بهره‌مندی از واسطه‌های مالی نظارت‌کننده بر عملکرد مالی وام‌گیرندگان، تجربیات سازمان در استفاده از واسطه‌های مالی توانمند در انعقاد قراردادهای مالی بهینه	تجارب به استفاده از واسطه‌های مالی	
E2, E3, D3 A5	لذت بردن از انجام فعالیت‌ها با استفاده از فناوری اطلاعات، مفرح دانستن انجام فعالیت‌ها با استفاده از فناوری اطلاعات، خسته‌کننده نبودن انجام فعالیت‌ها با استفاده از فناوری اطلاعات، جذاب و جالب بودن انجام فعالیت‌ها با استفاده از فناوری اطلاعات	بهره‌مندی از فناوری‌های نوین	فناوری‌های نوین
C1, E2, B2 A1, A4, C2 B5	استفاده از فن‌آوری نوین برای ساختن رویه‌ها و الگوهای جدید تصمیمات مالی، استفاده از فن‌آوری نوین برای تغییر رویه‌ها و الگوهای جدید تصمیمات مالی، استفاده از فن‌آوری‌های نوین برای برنامه‌ریزی‌های جدید مالی، استفاده از فن‌آوری‌های نوین برای تغییر برنامه‌ریزی‌های موجود در حوزه سرمایه‌گذاری، استفاده از فن‌آوری‌های نوین برای مقایسه وضعیت موجود و مطلوب در حوزه‌های مختلف سرمایه‌گذاری	پذیرش و استفاده از فناوری‌های نوین	

در نهایت با توجه به مبانی نظری و تجربی پژوهش و نظر متخصصان و خبرگان دارای سابقه خدمت بیش از ۲۰ سال در شعب بانک‌های کشور، مدل مفهومی نهایی پژوهش مبنی بر تخصیص بهینه منابع مالی مبتنی بر عوامل موثر به صورت نمودار (۳)، طراحی و تدوین گردید:



نمودار ۳: مدل مفهومی تکمیلی پژوهش

(منبع: نگارنده، ۱۳۹۹)

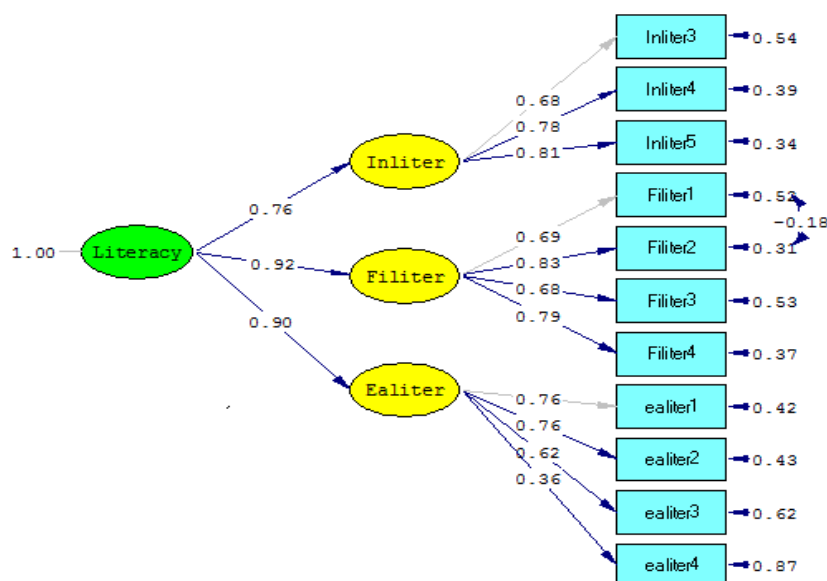
بخش دوم: مدل معادلات ساختاری

مدل معادلات ساختاری شامل دو بخش مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری می‌باشد. در بخش مدل اندازه‌گیری، به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود که متغیرهای مکنون چگونه توسط شاخص‌ها و متغیرهای مشاهده پذیر مورد سنجش قرار می‌گیرند و اعتبار و روایی آنها به چه شرح می‌باشد. در بخش مدل ساختاری نیز آنچه که مورد بررسی قرار می‌گیرد، روابط علی بین متغیرهای مکنون پژوهش می‌باشد که در این مطالعه، هر دو مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری مورد بررسی واقع شده است.

گام اول: مدل‌های اندازه‌گیری

مدل اندازه‌گیری سواد مالی

در تحلیل عاملی مرتبه اول متغیر سواد مالی، دو گویه (Inliter1، Inliter2) دارای بار عاملی کمتر از $0/3$ بودند و بدین ترتیب از مدل پژوهش حذف گردیدند. در تحلیل عاملی مرتبه دوم و بخش مدل اندازه‌گیری، همانگونه که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، تمامی بارهای عاملی تایید شده در تحلیل عاملی تایید مرتبه اول، مقادیر نسبتاً مناسبی برای برآورد به شمار آمده و همگی آنها معنادار هستند. لازم به ذکر است که نشانگرهای مربوط به سواد مالی از نظر مقدار λ (بارهای عاملی) دارای بار عاملی حداقل $0/36$ (برای سوال ealiter4) تا حداکثر $0/83$ (برای سوال Filitr2) هستند. همچنین نتایج مدل در حالت تخمین استاندارد حاکی از آن است که در میان ابعاد سه‌گانه متغیر سواد مالی، بعد سواد ریسک مالی، نسبت به ابعاد دیگر سهم بیشتری را در تبیین متغیر سواد مالی دارد. علاوه بر این، با توجه به شاخص‌های برازش به دست آمده $\chi^2/df = 2/69$ ؛ $RMSEA = 0/090$ ؛ $NFI = 0/91$ ؛ $CFI = 0/92$ ؛ $NNFI = 0/92$ ؛ $GFI = 0/85$ و $AGFI = 0/83$ ؛ مدل اندازه‌گیری از برازش خوبی برخوردار بود. نمودار (۴)، خروجی به دست آمده از مدل اندازه‌گیری متغیر سواد مالی را ارائه می‌دهد:

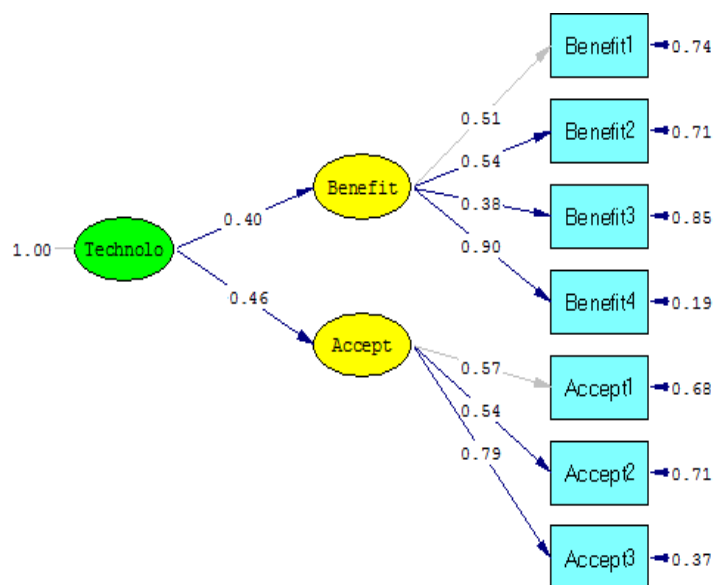


Chi-Square=107.63, df=40, P-value=0.00000, RMSEA=0.090

نمودار ۴: مدل اندازه‌گیری متغیر سواد مالی

مدل اندازه گیری فناوری های نوین

همانگونه که در جدول (۲) مشاهده می شود، نشانگرهای مربوط به فناوری های نوین از نظر مقدار λ (بار های عاملی) دارای بار عاملی حداقل ۰/۳۸ (برای سوال Benefit3) تا حداکثر ۰/۹۰ (برای سوال Benefit4) هستند. در ضمن تمامی بارهای عاملی به دست آمده مقادیر نسبتا مناسبی برای برآورد بوده و همگی آنها معنادار می باشند. همچنین نتایج مدل در حالت تخمین استاندارد حاکی از آن است که در میان ابعاد دو گانه متغیر فناوری های نوین، بعد پذیرش فناوری های نوین، نسبت به بعد دیگر، سهم بیشتری را در تبیین این متغیر ایفا می کند. شایان ذکر است که با توجه به شاخص های برازش به دست آمده $df\chi^2 = 1/41$ ؛ $RMSEA = 0/045$ ؛ $NFI = 0/97$ ؛ $AGFI = 0/95$ و $GFI = 0/96$ ؛ $CFI = 0/99$ ، $NNFI = 0/98$ نمودار (۵)، خروجی به دست آمده از مدل اندازه گیری متغیر فناوری های نوین را ارائه می دهد:



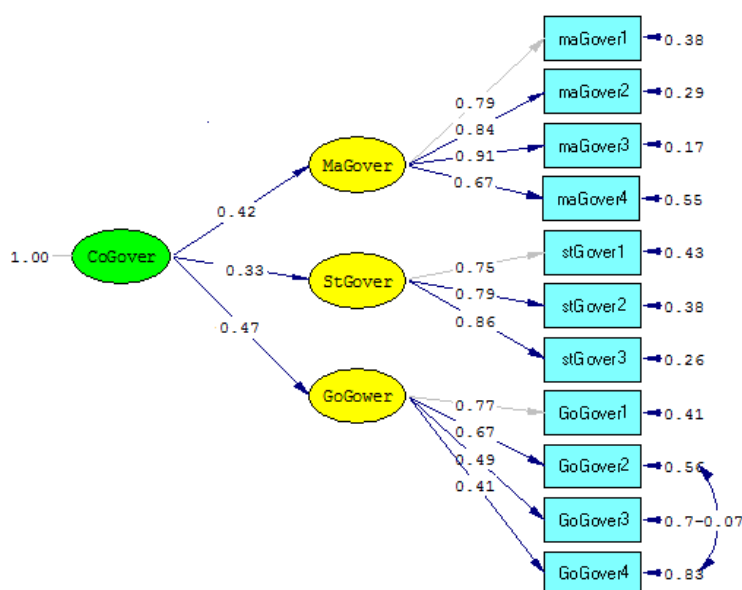
Chi-Square=15.52, df=11, P-value=0.16002, RMSEA=0.045

نمودار ۵: مدل اندازه گیری متغیر فناوری های نوین

مدل اندازه گیری حاکمیت شرکتی

همانگونه که در جدول (۲) مشاهده می شود، نشانگرهای مربوط به حاکمیت شرکتی از نظر مقدار λ (بار های عاملی) دارای بار عاملی حداقل ۰/۴۱ (برای سوال GoGover4) تا حداکثر ۰/۹۱ (برای سوال MaGover3) هستند. در ضمن تمامی بارهای عاملی به دست آمده مقادیر نسبتا مناسبی برای برآورد بوده و همگی آنها معنادار می باشند. همچنین نتایج مدل در حالت تخمین استاندارد حاکی از آن است که در میان ابعاد سه گانه متغیر حاکمیت

شرکتی، بعد حاکمیت دولتی، نسبت به ابعاد دیگر سهم بیشتری را در تبیین متغیر حاکمیت شرکتی دارد. لازم به ذکر است که با توجه به شاخص‌های برازش به دست آمده $\chi^2/df = 1/62$ ؛ $NFI = 0/94$ ؛ $RMSEA = 0/055$ ؛ $AGFI = 0/89$ و $GFI = 0/90$ ؛ $CFI = 0/97$ ؛ $NNFI = 0/97$ نمودار (۶)، خروجی به دست آمده از مدل اندازه‌گیری متغیر حاکمیت شرکتی را ارائه می‌دهد.

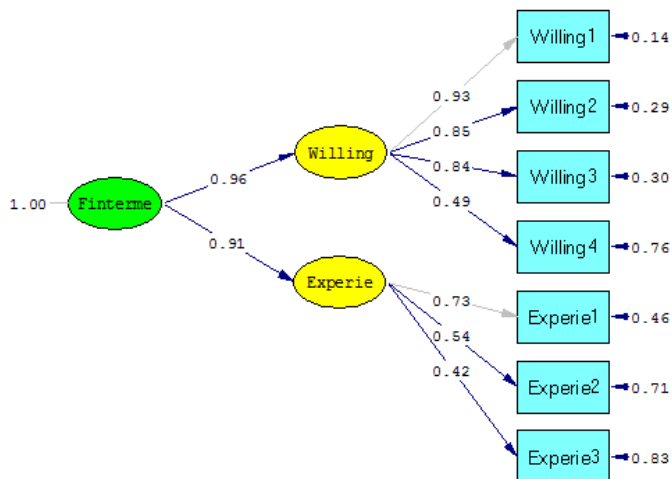


Chi-Square=64.87, df=40, P-value=0.00769, RMSEA=0.055

نمودار ۶: مدل اندازه‌گیری متغیر حاکمیت شرکتی

مدل اندازه‌گیری واسطه‌های مالی

نشانگرهای مربوط به واسطه‌های مالی نیز بر اساس جدول (۲)، از نظر مقدار λ (بارهای عاملی) دارای بار عاملی حداقل $0/42$ (برای سوال Experie3) تا حداکثر $0/93$ (برای سوال Willing1) هستند. در ضمن تمامی بارهای عاملی به دست آمده مقادیر نسبتاً مناسبی برای برآورد بوده و همگی آنها معنادار می‌باشند. همچنین نتایج مدل در حالت تخمین استاندارد حاکی از آن است که در میان ابعاد دوگانه متغیر واسطه‌های مالی، بعد تمایل به استفاده از واسطه‌های مالی نسبت به بعد دیگر، سهم بیشتری را در تبیین این متغیر دارد. لازم به ذکر است که با توجه به شاخص‌های برازش به دست آمده $\chi^2/df = 2/32$ ؛ $NFI = 0/92$ ؛ $RMSEA = 0/080$ ؛ $AGFI = 0/83$ و $GFI = 0/86$ ؛ $CFI = 0/94$ ؛ $NNFI = 0/93$ نمودار ۷، خروجی به دست آمده از مدل اندازه‌گیری متغیر واسطه‌های مالی را ارائه می‌دهد.

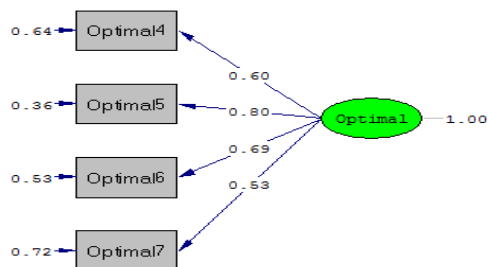


Chi-Square=23.20, df=10, P-value=0.01004, RMSEA=0.080

نمودار ۷: مدل اندازه گیری متغیر واسطه های مالی

مدل اندازه گیری تخصیص بهینه منابع مالی

بر اساس داده های جدول (۲)، سه نشانگر اول مربوط به متغیر وابسته پژوهش نیز، از نظر مقدار λ ، دارای بار عاملی کمتر از ۰/۳ بوده و به همین دلیل از مدل پژوهش حذف شدند. پس از اجرای مجدد مدل، گویه های باقیمانده دارای بارهای عاملی مناسبی بوده و همگی آنها معنادار می باشند. لازم به ذکر است که با توجه به شاخص های برازش به دست آمده $\chi^2/df = ۲/۶۳$ ؛ $RMSEA = ۰/۰۸۹$ ؛ $NFI = ۰/۹۷$ ؛ $NNFI = ۰/۹۸$ ؛ $CFI = ۰/۹۹$ ؛ $GFI = ۰/۹۶$ و $AGFI = ۰/۹۳$ ؛ این مدل اندازه گیری نیز از برازش خوبی برخوردار بود. نمودار ۸، خروجی به دست آمده از مدل اندازه گیری تخصیص بهینه منابع را ارائه می دهد.



Chi-Square=5.27, df=2, P-value=0.07172, RMSEA=0.089

نمودار ۸: مدل اندازه گیری متغیر تخصیص بهینه منابع مالی

جدول ۲: بارهای عاملی و ضریب معناداری مدل‌های اندازه‌گیری پژوهش در تحلیل عاملی مرتبه دوم

مقدار t	ضریب مسیر	گویه	ضریب مسیر	شاخص	
-	۰/۶۸	Inliter3	۰/۷۶ (۶/۶۸)	سواد سرمایه‌گذاری (Investment literacy)	سواد مالی
۹/۳۴	۰/۷۸	Inliter4			
۹/۵۳	۰/۸۱	Inliter5			
-	۰/۶۹	Filiter1	۰/۹۲ (۹/۲۰)	سواد ریسک مالی (Financial risk literacy)	
۸/۹۶	۰/۸۳	Filiter2			
۸/۸۴	۰/۶۸	Filiter3			
۱۰/۰۲	۰/۷۹	Filiter4			
-	۰/۷۶	ealiter1	۰/۹۰ (۹/۰۱)	سواد تحقق درآمد (Literacy income realization)	
۱۰/۴۹	۰/۷۶	ealiter2			
۸/۵۲	۰/۶۲	ealiter3			
۴/۸۸	۰/۳۶	ealiter4			
-	۰/۵۱	Benefit1	۰/۴۰ (۷/۱۲)	بهره مندی از فناوری‌های نوین (Benefit from new technologies)	فناوری‌های نوین
۵/۶۵	۰/۵۴	Benefit2			
۴/۴۳	۰/۳۸	Benefit3			
۵/۳۶	۰/۹۰	Benefit4			
-	۰/۵۷	Accept1	۰/۴۶ (۷/۵۶)	پذیرش فناوری‌های نوین (Acceptance of new technologies)	
۵/۳۴	۰/۵۴	Accept2			
۴/۸۴	۰/۷۹	Accept3			
-	۰/۷۹	maOwner1	۰/۴۲ (۹/۸۷)	حاکمیت مدیریتی (Managerial governance)	حاکمیت شرکتی
۱۳/۲۳	۰/۸۴	maOwner2			
۱۴/۰۹	۰/۹۱	maOwner3			
۹/۹۴	۰/۶۷	maOwner4			
-	۰/۷۵	stOwner1	۰/۳۳ (۸/۸۳)	حاکمیت ذینفعان (Stakeholder governance)	
۱۰/۶۴	۰/۷۹	stOwner2			
۱۰/۸۴	۰/۸۶	stOwner3			
-	۰/۷۷	GoOwner1	۰/۴۷ (۱۰/۰۶)	حاکمیت دولتی (government governance)	
۵/۳۹	۰/۶۷	GoOwner2			
۵/۳۱	۰/۴۹	GoOwner3			
۴/۰۲	۰/۴۱	GoOwner4			
-	۰/۹۳	Willing1	۰/۹۶ (۹/۷۳)	تمایل به استفاده از واسطه‌های مالی	واسطه‌های مالی
۱۷/۰۴	۰/۸۵	Willing2			
۱۶/۷۴	۰/۸۴	Willing3			

مقدار t	ضریب مسیر	گویه	ضریب مسیر	شاخص	
۷/۴۳	۰/۴۹	Willing4		Willingness to use financial) intermediar	
-	۰/۷۳	Experie1	۰/۹۱ (۹/۴۳)	تجربه استفاده از واسطه های مالی Experience using financial) (intermediaries	
۶/۷۷	۰/۵۴	Experie2			
۵/۳۰	۰/۴۲	Experie3			
۸/۳۴	۰/۶۰	Optimal4	-	تخصیص بهینه منابع مالی Optimal allocation of financial) (resources	تخصیص بهینه منابع
۱۱/۳۲	۰/۸۰	Optimal5			
۹/۶۶	۰/۶۹	Optimal6			
۷/۲۸	۰/۵۳	Optimal7			

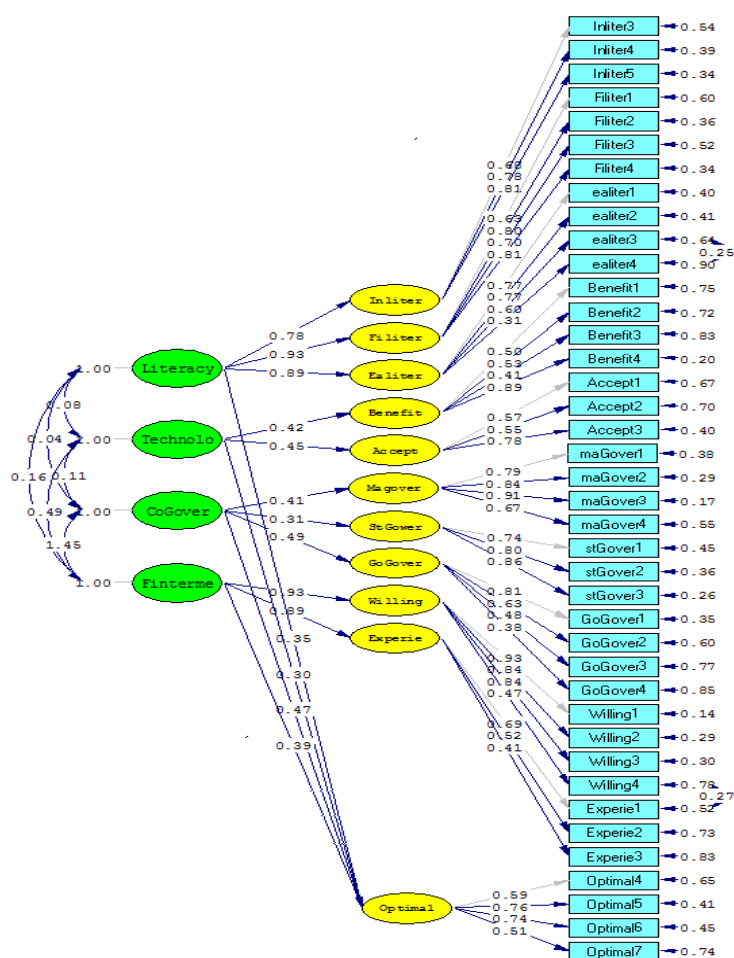
گام دوم: مدل معادلات ساختاری (آزمون فرضیات پژوهش)

به منظور پاسخ به فرضیات پژوهش، از مدل معادلات ساختاری و ضرایب استاندارد و اعداد معناداری استفاده شده است. عدد معناداری هر چقدر از ۱/۹۶ بزرگتر باشد نشان دهنده این است که متغیر مستقل اثر قوی تری بر متغیر وابسته اعمال می کند. منظور از ضریب استاندارد، مقادیر همبستگی دو تایی است (بین دو متغیر) و جهت مقایسه اثرات اجزای مدل بکار می رود و هر چه این ضریب بیشتر باشد به معنای اثرگذاری بیشتر متغیر مستقل بر متغیر وابسته است (امین بیدختی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۹).

در نمودار ۹، نمایی از آزمون فرضیات پژوهش در حالت استاندارد، ترسیم شده است. بر اساس این نمودار، نتایج آزمون فرضیات پژوهش به این شرح می باشد که مقدار ضریب مسیر برای دو متغیر سواد مالی و تخصیص بهینه منابع مالی برابر با ۰/۳۵؛ برای دو متغیر فناوری های نوین و تخصیص بهینه منابع مالی برابر با ۰/۳۰؛ برای دو متغیر حاکمیت شرکتی و تخصیص بهینه منابع مالی برابر با ۰/۴۷ و دو متغیر واسطه های مالی و تخصیص بهینه منابع مالی برابر با ۰/۳۹ می باشد که در همه روابط فرضی، مقدار t بالاتر از ۱/۹۶ بوده و در سطح ۰/۰۵ درصد معنی دار است. لذا فرض صفر رد و فرضیه های تحقیق پذیرفته می شود. فرضیه های پژوهش بیان می دارند که سواد مالی، فناوری های نوین، حاکمیت شرکتی و واسطه های مالی بر تخصیص بهینه منابع مالی در صنعت بانکداری تاثیر معناداری دارند. علاوه بر این، با توجه به مقدار مثبت ضریب مسیر در تمام روابط فرضی، مشخص می شود که سواد مالی، فناوری های نوین، حاکمیت شرکتی و واسطه های مالی در نمونه مورد مطالعه به گونه ای است که تاثیر مستقیم بر تخصیص بهینه منابع مالی ایفا کرده و موجب بهبود آن می شود. لازم به ذکر است که شاخص های برازش مدل آزمون فرضیات پژوهش (شکل ۸)، حاکی از برازش مناسب مدل $\chi^2/df = ۱/۲۷$ ؛ $R^2 = ۰/۳۶$ ؛ $RMSEA = ۰/۹۵$ ؛ $NFI = ۰/۹۶$ ؛ $NNFI = ۰/۹۸$ ؛ $CFI = ۰/۹۲$ ؛ $GFI = ۰/۹۱$ و $AGFI = ۰/۹۱$ می باشد. جدول (۳)، نمایی کلی از نتایج آزمون فرضیات را ارائه می دهد:

جدول (۳): نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب استاندارد	ضریب معناداری	نتیجه آزمون
سواد مالی	تخصیص بهینه منابع مالی	۰/۳۵	۸/۲۵	تایید فرضیه
فناوری‌های نوین	تخصیص بهینه منابع مالی	۰/۳۰	۷/۳۹	تایید فرضیه
حاکمیت شرکتی	تخصیص بهینه منابع مالی	۰/۴۷	۱۰/۰۱	تایید فرضیه
واسطه‌های مالی	تخصیص بهینه منابع مالی	۰/۳۹	۸/۸۳	تایید فرضیه

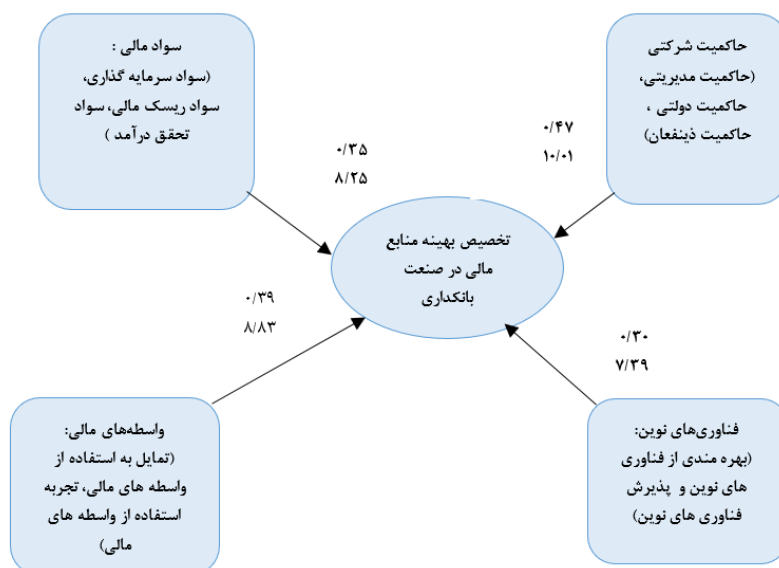


Chi-Square=914.74, df=718, P-value=0.00000, RMSEA=0.036

نمودار ۹: مدل آزمون فرضیات پژوهش در حالت استاندارد

۵- نتیجه گیری و بحث

به طور کلی این مطالعه با چهار هدف مدنظر هدایت و داده های به دست آمده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. اهداف پژوهش عبارت بودند از تعیین اینکه آیا سواد مالی می تواند بر تخصیص بهینه منابع مالی در صنعت بانکداری اثر گذار باشد، همچنین چگونگی تاثیر واسطه های مالی، فناوری و نقش حاکمیت شرکتی بر تخصیص بهینه منابع مالی در شعب بانکی، از دیگر اهداف پژوهش بود که مورد بررسی قرار گرفت. یافته های مربوط به هر یک از این اهداف نشان داد که افزایش سواد مالی، فعالیت های واسطه های مالی، فناوری های نوین و حاکمیت شرکتی، تخصیص بهینه منابع مالی را بهبود می بخشد. بر همین اساس، مدل نهایی پژوهش را می توان به صورت نمودار (۱۰) ارائه داد:



نمودار (۱۰): خلاصه مدل عوامل موثر بر تخصیص بهینه منابع مالی در صنعت بانکداری

در ادامه به تبیین هر یک از فرضیات پژوهش پرداخته می شود:

نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش در زمینه سواد مالی نشان داد که این متغیر، مفهومی است که به طور مستقل با تخصیص بهینه و کارآمد منابع مالی مرتبط است. در تبیین نتایج حاصل از آزمون این فرضیه می توان گفت با افزایش سطح سواد مالی، درک افراد از گزینه های مالی مختلف همچون اعتبار، وام، بیمه و مهمتر از همه توانایی درک و کار با نرخ بهره و نرخ ارز که همگی دارای اهمیت بالایی هستند، افزایش یافته و در نتیجه می تواند نقش مهمی در بهبود اتخاذ تصمیمات بهینه منابع اعمال نماید. مدیرانی که از سواد مالی بیشتری برخوردار می باشند، از این قابلیت برخوردار می باشند که گزینه های انتخابی بیشتری را مورد ارزیابی قرار داده و با اطمینان و آگاهی

بیشتری به اتخاذ تصمیمات در حوزه تخصیص منابع سازمانی بپردازند و همین امر در نهایت، اعمال تصمیمات مناسب در حوزه تخصیص بهینه سرمایه و منابع مالی را در پی داشته و به کاهش ریسک در تخصیص منابع منجر می‌گردد. به بیانی دیگر، با افزایش سواد مالی، توانایی مدیران در راستای سنجش دقیق درآمد و هزینه‌های مالی و اینکه چه میزان از منابع مالی را به انجام سرمایه‌گذاری اختصاص دهند افزایش یافته و همین امر در نهایت به تخصیص مقداری بهینه از منابع برای انجام سرمایه‌گذاری منجر می‌گردد. همچنین بدیهی است که به منظور موفقیت در سرمایه‌گذاری و تخصیص بهینه منابع، فرد سرمایه‌گذار بایستی اطلاعات خوبی از مسائل مالی و بسیاری از مفاهیم پرکاربرد و مهم در این حوزه برخوردار باشد و این امر تنها در صورت دارا بودن سواد و دانش مالی بالا محقق می‌گردد. لازم به ذکر است نتایج حاصل از آزمون این فرضیه همسو با یافته‌های سید و همکاران^۱ (۲۰۰۹)؛ والا کومبورا^۲ (۲۰۲۱) و ساین و گاپتا^۳ (۲۰۲۱) می‌باشد.

در آزمون نقش فناوری‌های نوین بر تخصیص بهینه منابع، نتایج، بیانگر تایید فرضیه پژوهش بود. در توضیح یافته به دست آمده می‌توان با استناد به نظریه اولسون^۴ (۲۰۰۶) ادعان داشت که موفقیت و شکست مدیران و سرمایه‌گذاران به رابطه آنها با ظرفیت تکنولوژیکی بستگی زیادی دارد. بنابر استدلال وی، دارا بودن منابع انسانی و تکنولوژیکی مناسب از نظر توانایی و مهارت، روش روشنی برای بهره‌وری در تخصیص منابع به شمار می‌رود. به گفته محققان؛ استفاده از فناوری‌های نوین تصمیم‌گیری منجر به بهبود قابل توجه تخصیص منابع نه تنها در بازارهای مالی بلکه در بازارهای سرمایه نیز می‌شود. همانطور که قبلاً به آن اشاره گردید. منظور از تخصیص بهینه منابع مالی، تخصیص منابع به واحدهای سازمانی یا نهادهای بازار می‌باشد، به طوری که سود سازمان یا سهم بازار بنگاه بیشینه گردد. بدیهی است که استفاده از فناوری‌های نوین می‌تواند مدیران را در اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری درست و آگاهانه بر اساس حجم زیادی از داده‌های تحلیل شده، کمک کرده و از این حیث به بهبود شناسایی فرصت‌های سرمایه‌گذاری سودآور و تخصیص بهینه منابع مالی منجر گردد. همچنین قابل انتظار است که مدیران با استفاده از اطلاعات و برنامه‌های فناوری (این اطلاعات یا از داده‌های وارد شده توسط افراد (تراکنش‌های ذهنی) به دست می‌آید و یا از داده‌های تحلیل شده به وسیله نرم افزار (تراکنش‌های کامپیوتری) گرفته می‌شود) می‌توانند در شناسایی آیت‌های سودآور سرمایه‌گذاری و تخصیص بهینه منابع مالی به این آیت‌ها عملکرد موثری داشته باشند. نتایج حاصل از این یافته همسو با یافته‌های باتاچاریا و همکاران^۵ (۱۹۹۷) و آندری^۶ (۲۰۰۰) می‌باشد.

همچنین، نتایج به دست آمده از آزمون معادلات ساختاری نشان داد که حاکمیت شرکتی می‌تواند نقش مهمی در تخصیص بهینه منابع مالی در صنعت بانکداری ایفا کند. در تشریح این یافته می‌توان گفت حاکمیت شرکتی، شامل مجموعه‌ای از ساختارها، دستورالعمل‌ها، فرآیندها و هنجارهای فرهنگی است که بر اساس آن، سازمان‌ها به

¹ Syed Z.A., Safdar A. & Arshad H

² Walakumbura, S. H. M. L.

³ Singh, I., & Gupta, K.

⁴ Olson, M. J

⁵ Bhattacharya, A., Montiel, P., & Sharma, S.

⁶ Andrei

شفافیت در فرایندهای اجرایی سازمان دست یافته و همچنین کنترل و هدایت عملکرد سازمان‌ها مدنظر قرار می‌گیرد. استقرار این نظام با مد نظر قرار دادن جنبه‌های مختلف عملکرد سازمان، به عنوان سازوکاری برای پاسخگویی به ذی نفعان به شمار می‌رود و همین امر موجب می‌شود که مدیریت سازمان در تخصیص منابع سازمان و حفظ منافع ذی نفعان اقدامات اجرایی لازم را انجام داده و تلاش لازم را جهت یک تخصیص بهینه به عمل آورند. شایان ذکر است که مقوله اصلی حاکمیت شرکتی، مفهوم نظارت است. نظارت بیانگر این مورد است که سهامداران مسئولیت پاره‌ای از تصمیمات شرکت از جمله تصمیمات حوزه سرمایه‌گذاری را به هیات مدیره منتقل می‌کنند. و از طرفی عملکرد آن‌ها به صورت دوره‌ای مورد بررسی و نظارت واقع می‌شود. به طور حتم با افزایش مسئولیت هیئت مدیره در بخش تصمیمات سرمایه‌گذاری و نیاز به توضیح و دفاع از عملکرد خود در این زمینه، تلاش‌های لازم جهت تخصیص بهینه منابع مالی، از رشد چشمگیری برخوردار خواهد بود. نتایج حاصل از آزمون این فرضیه نیز همسو با یافته‌های بیمو و همکاران^۱ (۲۰۲۱) و نظر^۲ (۲۰۲۱) (۲۰۰۸) می‌باشد.

و در نهایت، آزمون فرضیه آخر پژوهش نشان داد که واسطه‌های مالی نیز در تخصیص بهینه منابع مالی می‌تواند اثربخش ظاهر شود. در توضیح یافته‌های حاصل از این آزمون، می‌توان اظهار داشت که واسطه‌های مالی از طریق شناسایی بازارهای کارآمد، کمک شایانی به مدیران در شناسایی آیت‌های سرمایه‌گذاری سودآور کرده و از این حیث در تخصیص بهینه منابع، نقش حائز اهمیتی دارند. واسطه‌های مالی از طریق جمع‌آوری اطلاعات، ارزیابی ریسک اعتبار، انعقاد قرارداد، نظارت بر عملکرد مالی وام‌گیرندگان و مدیریت مشکلات مالی آن‌ها، موجب تضمین بازده بالاتر از منابع تخصیص یافته و تحقق اهداف تعیین شده کارآمدتر می‌شوند. به بیانی دیگر، واسطه‌های مالی از نظر اطمینان از کسب بازده بالاتر در وام‌های مالی و تحقق اهداف تعیین شده می‌توانند بسیار کارآمدتر عمل کنند. بدیهی است که واسطه‌هایی که کارایی بیشتری دارند، از طریق ارزیابی بهتر اعتبارات، انعقاد قراردادهای سودآور، و همچنین نظارت بر عملکرد وام‌گیرندگان، سطح خطا و اشتباه در تصمیمات مربوط به تخصیص منابع را کاهش می‌دهند.

لازم به ذکر است که نتایج حاصل از آزمون این فرضیه همسو با یافته‌های موتانیا^۳ (۲۰۱۲) می‌باشد.

در پایان و بر اساس نتایج حاصل از آزمون فرضیات پژوهش، پیشنهاد می‌گردد که در انتصاب مدیران در پست‌های مهم شعب بانکی، به سواد مالی افراد کاندید از منظر سواد سرمایه‌گذاری، سواد ریسک مالی و سواد تحقق درآمد توجه ویژه‌ای اعمال شود و همچنین جهت بهبود سواد مالی افراد منتصب و بهبود درک آنها از گزینه‌های مالی مختلف همچون اعتبار، وام، بیمه و مهمتر از همه توانایی درک و کار با نرخ بهره و نرخ ارز، اقدامات لازم از جمله برگزاری دوره‌های آموزشی تخصصی اعمال گردد. تلاش جهت پیاده‌سازی فناوری‌های نوین تصمیم‌گیری و ارائه دوره‌های آموزشی تخصصی جهت نحوه کار با این فناوری‌ها نیز از دیگر مواردی است که می‌بایست در صنعت بانکداری مورد توجه واقع شود. همچنین پیشنهاد می‌گردد که جهت شفافیت در فرایندهای اجرایی شعب، فرایند حاکمیت شرکتی به اشکال مختلف از جمله مالکیت مدیریتی، مالکیت ذینفعان و همچنین مالکیت دولتی

¹ Bimo, I. D., Silalahi, E. E., & Kusumadewi, N. L. G. L.

² Nazar, M. C. A.

³ Motanya

مدنظر قرار گیرد. علاوه بر این توصیه می‌گردد که بر آن دسته از واسطه‌های مالی که کارایی بیشتری دارند و می‌توانند از طریق جمع آوری اطلاعات، ارزیابی ریسک اعتبار و انعقاد قرارداد، نظارت بهتری بر عملکرد مالی وام گیرندگان و مدیریت مشکلات مالی آنها اعمال کنند، نیز تمرکز لازم اعمال شود.

فهرست منابع

- احسانی، محمد علی. (۱۳۸۸). واسطه‌های مالی و رشد اقتصادی در ایران، پژوهشکده پولی و بانکی. قابل بازیابی از: <https://www.adinehbook.com/gp/product/9648257094>
- احمدی اکبر، بهکیش محمدمهدی. الگویی برای تخصیص برنامه‌ای و کنترل منابع مالی با استفاده از منطق فازی (مطالعه موردی سازمان منطقه آزاد کیش). فصلنامه برنامه ریزی و بودجه. ۱۳۸۲؛ ۸ (۳): ۱۱۹-۸۱. قابل بازیابی از: http://jpbud.ir/browse.php?a_id=217&sid=1&slc_lang=fa
- دوانی، غلامحسین. (۱۳۹۳). حاکمیت شرکتی: حسابدار، سال نوزدهم، شماره ۱۶۴. قابل بازیابی از: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/7586/6/text>
- رحیمیان، نظام‌الدین؛ محمدی، حمید؛ صالحی‌راد، معصومه. (۱۳۹۲). نقش سازوکارهای حاکمیت شرکتی در عملکرد بانک‌ها، بررسی‌های حسابداری. ۹۷ - ۱۱۹، (۱). قابل بازیابی از: https://jjar.scu.ac.ir/article_11516.html
- معین‌الدین، محمود؛ یعقوب‌نژاد، احمد؛ نیکومرام، هاشم. (۱۳۹۰). ارائه الگویی جهت سنجش سواد مالی دانشجویان ایرانی با استفاده از روش دلفی فازی. مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار (۸): ۴۹-۱. قابل بازیابی از: http://fej.iauctb.ac.ir/article_511752.html
- موحد، علی اصغر؛ ابوالحسنی، اصغر؛ پورکاظمی، محمدحسین؛ موسوی جهرمی، یگانه. (۱۳۹۶). طراحی مدل تخصیص بهینه منابع در سیستم بانکداری ایران، فصلنامه علمی - پژوهشی مدل‌سازی اقتصادی، ۱۱۵-۱۳۶، ۴۰ (۱۱). قابل بازیابی از: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=360797>
- حاجی پور بهمن، عزیزی شهریار، قره‌چه منیژه، محمدی مصطفی. الگوی مبنایی تخصیص بهینه منابع بازاریابی: رویکرد داده‌بنیاد. پژوهش‌های مدیریت منابع سازمانی. ۱۳۹۶؛ ۷ (۳): ۷۴-۵۹. قابل بازیابی از: <https://ormr.modares.ac.ir/article-28-5478-fa.html>
- Ali, A., Alim, W., Ahmed, J., & Nisar, S. (2021). Impact of Corporate Governance on Performance: A Study of Listed Firms in Pakistan.
- Andrei S. (2000): Inefficient Markets and an Introduction to Behavioral Finance Clarendon press. DOI:10.1093/0198292279.001.0001.
- Baione, F., De Angelis, P., & Granito, I. (2020). Capital allocation and RORAC optimization under solvency 2 standard formula. Annals of Operations Research. <https://doi.org/10.1007/s10479-020-03543-6>
- Beck, T., Demirgüç-Kunt, A., & Levine, R. (1999). A new database on financial development and structure. The World Bank. <https://doi.org/10.1596/1813-9450-2146>.
- Bhattacharya, A., Montiel, P., & Sharma, S. (1997). Private capital flows to sub-Saharan Africa: An overview of trends and determinants. External Finance for Low-Income Countries, 207-232. Retrieved from: <https://www.semanticscholar.org/paper/Private-Capital-Flows-to-Sub>

- Saharan-Africa%3A-An-of-Montiel-Bhattacharya/8efeb365e3eeed5e0b7469cb0145a56dbf63341.
- Bridgeman, D. (2013). Optimization models for resource allocation under perturbation. <https://doi.org/10.18297/etd/151>.
- Buallay, A. (2018). Is sustainability reporting (ESG) associated with performance? Evidence from the European banking sector. *Management of Environmental Quality: An International Journal*. <https://doi.org/10.1108/MEQ-12-2017-0149>
- Campa, J. M., & Kedia, S. (2002). Explaining the diversification discount. *The journal of finance*, 57(4), 1731-1762. <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.264763>
- Chen, X., Chong, W. F., Feng, R., & Zhang, L. (2020). Pandemic risk management: Resources contingency planning and allocation. <https://doi.org/10.1016/j.insmatheco.2021.08.001>
- Chong, W. F., Feng, R., & Jin, L. (2021). Holistic principle for risk aggregation and capital allocation. *Annals of Operations Research*, 1-34. <https://doi.org/10.1007/s10479-021-03987-4>
- Collier, P. (2007). "Globalization Implications for Africa- Oxford: Centre for the Study of African Economies, Oxford University press.
- Coval, J. D., & Moskowitz, T. J. (1999). Home bias at home: Local equity preference in domestic portfolios. *The Journal of Finance*, 54(6), 2045-2073. <https://doi.org/10.1111/0022-1082.00181>.
- El-Chaarani, H., Abraham, R., & Skaf, Y. (2022). The impact of corporate governance on the financial performance of the banking sector in the MENA (Middle Eastern and North African) region: An immunity test of banks for COVID-19. *Journal of Risk and Financial Management*, 15(2), 82. <https://doi.org/10.3390/jrfm15020082>
- Fama, E. F. (1991). Efficient capital markets a review of theory and empirical work. *The Fama Portfolio*, 76-121. <https://doi.org/10.2307/2325486>
- Gai, K., & Qiu, M. (2018). Optimal resource allocation using reinforcement learning for IoT content-centric services. *Applied Soft Computing*, 70, 12-21. <https://doi.org/10.1016/j.asoc.2018.03.056>
- Geng, C., & Cui, Z. (2020). Analysis of spatial heterogeneity and driving factors of capital allocation efficiency in energy conservation and environmental protection industry under environmental regulation. *Energy Policy*, 137, 111081. <https://doi.org/10.1016/j.enpol.2019.111081>
- Goel, T., Lewrick, U., & Tarashev, N. (2020). Bank capital allocation under multiple constraints. *Journal of Financial Intermediation*, 44, 100844. DOI: 10.1016/j.jfi.2019.100844
- Hassan, M. K., Tran, V. D., Paltrinieri, A., & Nguyen, T. D. (2020). The Determinants of Bank Capital Structure in the World. *The Singapore Economic Review*. DOI: [10.1142/S0217590820500010](https://doi.org/10.1142/S0217590820500010)
- Jebran, K., & Chen, S. (2021). Can we learn lessons from the past? COVID-19 crisis and corporate governance responses. *International Journal of Finance & Economics*. <https://doi.org/10.1002/ijfe.2428>
- Jia, J., Lai, Y., Yang, Z., & Li, L. (2022). The optimal strategy of enterprise key resource allocation and utilization in collaborative innovation project based on evolutionary game. *Mathematics*, 10(3), 400. <https://doi.org/10.3390/math10030400>.
- Kang, W. Y., & Poshakwale, S. (2019). A new approach to optimal capital allocation for RORAC maximization in banks. *Journal of Banking and Finance*, 106, 153-165. <https://doi.org/10.1016/j.jbankfin.2019.06.006>
- Khuong, N. D. (2017). Examining the Factors Affecting the Allocation of Financial Resources in Vietnam. *VNU Journal of Science: Economics and Business*, 33(4). DOI: [10.25073/2588-1108/vnueab.4110](https://doi.org/10.25073/2588-1108/vnueab.4110)
- Levine, R. (2005). Finance and growth: theory and evidence. *Handbook of economic growth*, 1, 865-934. Retrieved from: <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S1574068405010129>.

- Lin, W. L., Yip, N., Ho, J. A., & Sambasivan, M. (2020). The adoption of technological innovations in a B2B context and its impact on firm performance: An ethical leadership perspective. *Industrial Marketing Management*, 89, 61-71. <https://doi.org/10.1016/j.indmarman.2019.12.009>
- Mao, D., & Qiu, J. (2022). Optimal Allocation of Emergency Repair Resources for Producer–Consumer Communities Considering Fault Risk Classification and Emergency Repair Response Capability. *Frontiers in Energy Research*, 576. <https://doi.org/10.3389/fenrg.2022.881081>
- Mazelis, L., Lavrenyuk, K., Krasko, A., & Krasova, E. (2020, March). Development of a Fuzzy Dynamic Model for the Formation of the Optimal Allocation of Financial Resources for the Maximum Development of Regional Human Capital. In “New Silk Road: Business Cooperation and Prospective of Economic Development”(NSRBCPED 2019) (pp. 345-351). Atlantis Press. <https://doi.org/10.2991/aebmr.k.200324.065>.
- Mistry, P., & Trueblood, J. (2017). An Investigation of Factors that Influence Resource Allocation Decisions. In *CogSci*. Retrieved from: <https://www.semanticscholar.org/paper/An-Investigation-of-Factors-that-Influence-Resource-Mistry-rueblood/a58e38db5fd95ee07aaa60b17c6d7656d3979922>.
- MOTANYA, D. (2012). ANALYSIS OF FACTORS INFLUENCING EFFICIENT CAPITAL ALLOCATION AT THE NAIROBI SECURITIES (NSE).
- Okoth J. (2009, May Monday 18) , News and Events , Retrieved from : Development Bank of Kenya Ltd: [Http:// www.devbank.com/index .php](http://www.devbank.com/index.php).
- Olson, M. J. (1996). Big bills left on the sidewalk: why some nations are rich, and others poor.. *JOURNAL OF ECONOMIC PERSPECTIVES* , 10 (2) ,3-24. DOI: 10.1257/jep.10.2.3
- SAOUDI,H.(2019). EMPLOYMENT AND THE WORKFORCE WHAT ARE THE IMPLICATIONS FOR DEVELOPING COUNTRIES, ESPECIALLY IN AFRICA? Retrived from: <https://www.policycenter.ma/sites/default/files/2022-02/Report%20-%20The%20Impact%20of%20New%20Technologies%20on%20Employment%20and%20the%20Workforce.pdf>
- Shiller, R. J. (2000). Measuring bubble expectations and investor confidence. *The Journal of Psychology and Financial Markets*, 1(1), 49-60. https://doi.org/10.1207/S15327760JPFM0101_05
- Singh, I., & Gupta, K.(2021). THE IMPACT OF FINANCIAL LITERACY ON INVESTOR ATTITUDES AND DECISION-MAKING: AN EMPIRICAL ANALYSIS. Retrived from: <https://www.scmsnoida.ac.in/assets/pdf/journal/vol8Issue2/Paper%205.pdf>
- Syed Z.A., Safdar A. & Arshad H (2009). Corporate governance and earnings management and emperical evidence from pakistan listed companies, *European Journal of Scientific Research* , pp. 624-638. Retrieved from: https://www.researchgate.net/publication/228178577_Corporate_Governance_and_Earnings_Management_an_Empirical_Evidence_Form_Pakistani_Listed_Companies.
- Viter ,I.(2021). 6 Resource Allocation Best Practices You Can't Afford to Ignore. roject & Resource Management. Retrived from: <https://www.forecast.app/blog/resource-allocation-done-right>. Retrieved from:
- Walakumbura, S. H. M. L. (2021). The Effect of Financial Literacy on Personal Investment Decisions amongst Medical Practitioners in Sri Lanka. *European Journal of Business and Management Research*, 6(4), 123-126. DOI: <http://dx.doi.org/10.24018/ejbmr.2021.6.4.952>
- Wolter, K. (2007). Introduction to variance estimation. Springer Science & Business Media. Retrieved from: <https://www.springer.com/gp/book/9780387329178>.
- Ziorklui, S. Q. (2001). The Development of Capital Markets and Growth in Sub-Saharan Africa: The Case of Ghana. Retrieved from: <https://citeseerx.ist.psu.edu/viewdoc/download?doi=10.1.1.629.4564&rep=rep1&type=pdf>.

Optimal allocation of financial resources based on effective factors in the banking industry

Seyedeh Arezoo Mohammadi

Department of Industrial Management, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
rzmohamadi@yahoo.com

Mehrzad Minouei

Department of Industrial Management, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran,
(Corresponding Author)
meh.minouei@iauctb.ac.ir

Zadolah fathi

Department of Industrial Management, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
zad.fathi@iauctb.ac.ir

Mohammad Ali Keramati

Department of Industrial Management, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
M-Keramati@iau-arak.ac.ir

Hossein bakhtiari

Department of Industrial Management, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadegh University,
Tehran, Iran
h.bakhtiari@isu.ac.ir

Abstract

Optimal allocation of domestic resources and capital has become very important in the last decade. One of the industries in which resource allocation optimization is very important is the banking industry. In this regard, the purpose of this study was to investigate the various factors affecting the optimal allocation of financial resources in the banking industry. In a qualitative-quantitative method, this study examined various factors affecting the optimal allocation of financial resources in the banking industry. The statistical population of this study was all bank branches in Tehran, of which 242 branches were selected as a sample and a research questionnaire was distributed among managers and deputies of branches. The results of testing the research hypotheses using structural equation modeling showed that financial literacy, new technologies, corporate governance and financial intermediaries have a positive and significant effect on the optimal allocation of financial resources in the banking industry.

Keywords: Optimal Allocation of Financial Resources, Financial Literacy, New Technologies, Corporate Governance, Financial Intermediaries

